

مبانی و الگوهای فقهی مواجهه با بدپوششی در سیره سیاسی و فرهنگی معصومین(ع)

عباسعلی مشکانی سبزواری

دکتری فقه سیاسی و مدرس دانشگاه باقرالعلوم(ع)

فاروق اکبر فیروز یزدی

کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه تهران

چکیده:

مروری بر سیره معصومین(ع) درباره نحوه مواجهه ایشان با پدیده بدپوششی، بیانگر چند نکته اساسی است: ۱- ائمه معصوم(ع) بر خلاف پندار برخی، نسبت به این پدیده بی توجه نبوده، از طرق گوناگونی با این معضل دینی و اجتماعی به مقابله برخاسته‌اند. ۲- نوع مواجهه معصومین(ع) با این پدیده در دو ساحت و دو قالب «نرم» و «سخت» و به تعبیر دیگر «حقوقی» و «فرهنگی» و به تعبیر سوم «ایجابی» «سلبی» بوده است. ۳- در عرصه مواجهه ایجابی (نرم و فرهنگی) می‌توان به مواردی از قبیل: مواجهه تعلیمی-تبلیغی و تشویقی-تنزیحی اشاره کرد. ۴- در عرصه مواجهه سلبی (سخت و حقوقی) نیز می‌توان به مواردی از قبیل: مواجهه تهدیدی-تحقیری، تأدیبی-تعزیری و تقبیحی-تحدیری اشاره کرد. ۵- ادله و روایات دال بر انواع مواجهه‌ها نیز در دو دسته «عام» و «خاص» قابل طبقه‌بندی است. ادله عام به صورت کلی بر مطلوب دلالت می‌کند که از طریق تنقیح مناط و... می‌توان از آنها بهره جست. ادله خاص اما به صورت مستقیم دلالت بر نوع خاصی از مواجهه معصوم(ع) بر پدیده بدپوششی دلالت دارد. ۶- منهج (روش‌شناسی) استفاده شده در این تحقیق، «منهج تجمیع ظنون» است، که از طریق آن می‌توان ضعف سندی برخی از روایات مورد استناد را جبران نمود.

واژگان کلیدی: پوشش، بدپوششی، ائمه معصوم(ع)، مواجهه ایجابی، مواجهه سلبی، تجمیع ظنون.

* دریافت: ۹۷/۹/۲۰ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۰

مقدمه

«پوشش» یکی از شاخص‌های وجودی آدمی، و وجه ممیز او از دیگر موجودات بوده، جزو نیازهای فطری انسان به شمار می‌رود. این مهم در منطق الهی از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که قرآن کریم ضمن نعمت و هدیه الهی خواندن پوشش، به کارکردهای مختلف آن اشاره کرده، می‌فرماید: «ای فرزندان آدم، برای شما لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شما است... این از آیات خداوند است؛ باشد که متذکر شده، پند گیرید» (اعراف: ۲۷). بر همین اساس خدای متعال انسان را بر اساس جنسیت به پوشش مناسب شأن، ترغیب و توصیه کرده و عدم پوشش و عاری بودن از لباس مناسب را نوعی ناهنجاری و از علائم بدویت و جاهلیت برشمرده است (ن.ک. المیزان، ۸: ۱۰۸).

بدیهی است مقوله‌ای با این درجه از اهمیت و تاثیرگذاری در حیات انسانی، از نگاه مکتبی که داعیه جامعیت، جاودانگی و جهان‌شمولی دارد، بایسته و شایسته غفلت و یا کم‌توجهی نیست؛ چونانکه سیری اجمالی در بیان و بنان (قول و فعل) شارع مقدس و مبینان معصوم شریعت (ع)، در حوزه تکوین و تشریح، بیانگر اهتمام و توجه وافر ایشان به مقوله «پوشش» است. توجه به این مقوله در سیره معصومین (ع) و نوع مواجهه ایشان با این پدیده و تبیین آن، در دو مقام «تبلیغ و ترویج فرهنگ پوشش» (جهت اثباتی) و «مقابله و مبارزه با بدپوششی» (جهت سلبی) امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، لازمه تغییر و تحولات زمانی و مکانی، و نیز تفاوت عده و غده هر کدام از معصومین (ع) با یکدیگر، بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف در تبلیغ فرهنگ صحیح پوشش و مبارزه با مقوله بدپوششی است؛ چنانکه این مهم در سیره ایشان مشهود است.

مقاله حاضر در تلاش است به بررسی گونه‌های مختلف مواجهه معصومین (ع) با مقوله بدپوششی بپردازد. گفتنی است در این مقاله از منهج فقهی «تجمیع ظنون» به عنوان ابزار اثبات مدعا استفاده شده است. در بخش کلیات، چستی «منهج تجمیع ظنون» مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱) پوشش: در ادبیات دینی به گاه سخن از پوشش، واژگانی همچون حجاب، ستر، خمار، حیا، عفاف و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. مروری گذرا بر معانی لغوی و اصطلاحی مفاهیم یاد شده، بیانگر این است که وجه مشترک آنها با مفهوم پوشش، این است که در همه آنها سخن بر سر

«وجود مانع» در یک شیء است که به واسطه آن مانع، شیء مورد بحث از دیده شدن در امان است (ن.ک. لسان العرب، ۴: ۳۴۳؛ کنزالعرفان، ۲: ۲۲۲). بر این اساس می‌توان پوشش را این‌گونه تعریف کرد: «هر آن چیزی که حائل و مانع از دیده شدن یک شیء در برابر شیء دیگر می‌شود را پوشش گویند». بر اساس این تعریف پوشش شامل هر نوع مانع و حائلی که از دیده شدن جلوگیری نماید، می‌شود (ن.ک. مجموعه آثار (مطهری) ۱۹: ۴۲۹-۴۳۱).

۲) بدپوششی: در منطق دین، بدپوششی و بدحجابی طیف گسترده‌ای از رفتارها، مانند پوشش اندام، دوخت لباس، جنس و رنگ لباس، شیوه گفتار و نگاه، طنین صدا، نوع راه رفتن، نمایش زیور آلات، آرایش کردن و حتی استفاده از مواد خوشبو کننده را دربرمی‌گیرد، اما مصداق بارز آن «نداشتن پوشش مناسب» است؛ پوششی که برگرفته از فقه اسلامی و هم‌راستا با انتظارات جامعه اسلامی نباشد و موجب ترویج فساد و هتک عفت عمومی شود. از این رو پوشیدن لباس‌های تنگ، تحریک کننده، بدن‌نما، یا آشکار کردن قسمت‌هایی از بدن که نیازمند پوشش است و نشان دادن مواضع آرایش شده، و نیز بر تن کردن لباس شهرت از نمادهای آشکار بدپوششی است.

۱-۲- مختین - مترجلات: نکته دیگر اینکه بدپوششی منحصر به زنان نیست و مردان را نیز شامل می‌شود. یعنی مردان نیز ملزم به رعایت نوعی از پوشش هستند که در صورت تجاوز و عدم رعایت آن، مستحق برخورد هستند. بنابراین در طول تحقیق، مواردی از برخورد معصومین(ع) با بدپوششی از سوی مردان نیز مورد اشارت قرار خواهد گرفت. نکته دیگر در این زمینه این است که در میان روایات و سیره معصومین(ع) با پدیده‌ای به نام «المختین من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال» (علل الشرایع، ۲: ۶۰۲) و «المختین من الرجال و المترجلات من النساء» (الجعفریات: ۱۴۸) مواجه می‌شویم که کنایه از مردان زن‌نما و مردان زن‌نماست. باید توجه داشت که بر اساس محتوای برخی روایات و گزارش‌ها، این واژگان اعم از کسانی است که «دچار اختلال در هویت جنسی» شده و نیز افرادی که به پدیده «مبدل پوشی» روی آورده‌اند. به عنوان نمونه در مورد وجه تسمیه مختین گفته می‌شود: «لأنه كان في كلامهم لين، و كانوا يخضبون بالحناء كخضاب النساء» (ن.ک. الصحيح من سيرة النبي، ۲۵: ۱۰۳). همچنین برخی روایات و گزارش‌ها نیز بر همین مهم دلالت می‌کند. به عنوان نمونه در یک روایت می‌خوانیم: «أن النبي(ص) أتى بمختن قد خضب يديه و رجله بالحناء، فقال النبي(ص) ما بال هذا؟ فقيل: يا رسول الله، يتشبه بالنساء، فأمر به فنفى إلى النقيع؛ مردی زن صفت را پیش

پیامبر(ص) آوردند که دست و پای خود را حنا گذاشته بود. حضرت پرسید: چرا چنین کرده است؟ گفتند: ای رسول خدا! خود را شبیه زنان می‌سازد. پیامبر دستور تبعید او را به منطقه‌ای در مدینه به نام (نقیع) صادر کرد» (سنن ابی‌داود، ۷: ۲۸۸). بر این اساس روایات و گزارش‌های مربوط به مخشین نیز جزو ادله این بحث خواهد بود.

۲-۲- متشبهین - متشبهات: نکته دیگر در مورد واژگان «متشبهین» «متشبهات» است که در مورد مردان و زنانی به کار می‌رود که خود را شبیه جنس مخالف خود می‌کنند، مانند این روایت: «جابر بن یزید جعفی قال سمعت ابا جعفر محمد الباقر(ع) قال: «لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَتَّشِبَ بِالرِّجَالِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ(ص) لَعَنَ الْمُتَّشِبِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ لَعَنَ الْمُتَّشِبَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ» (مستدرک الوسائل، ۳: ۲۴۶). روشن است که تشبه به جنس مخالف دارای مصادیق مختلفی است از قبیل: مطلق تشبه به جنس مخالف، تشبه در صفات جنسی، تشبه در کردار و رفتار، تشبه در زینت‌ها و نیز تشبه در انواع پوشش. لذا مباحث مربوط به متشبهین نیز در زمره ادله بحث حاضر خواهد بود.

۳) مواجهه (برخورد): مواجهه در لغت به معنای مقابله، روبرویی کلامی با مخاطب و روبرویی است (الصحاح، ۶: ۲۵۴؛ المحيط، ۴: ۲۳). در این میان آنچه بیشتر حائز اهمیت است بررسی شیوه‌های مواجهه نسبت به مسائل مبتلا به می‌باشد. در اسلام شیوه‌های مواجهه متفاوت است. در پاره‌ای از مسائل برخوردی ایجابی داشته و در برخی دیگر برخورد سلبی از خود نشان می‌دهد. به بیان دیگر در بعضی موارد جنس برخورد فرهنگی بوده و در بعضی دیگر از مسائل برخورد حقوقی را به عنوان شیوه برخورد با آن مساله انتخاب می‌نماید. البته اینکه مساله مورد بحث جنبه اجتماعی داشته باشد یا فردی نیز در کیفیت مواجهه دین با آن موضوع و مساله تاثیرگذار خواهد بود.

از جمله مسائل مورد توجه اسلام پدیده بدپوششی است. با توجه به آنچه گفته شد دین می‌تواند نسبت به این مساله رفتارهای گوناگونی از خود نشان بدهد. در یک چشم‌انداز می‌تواند این مساله را فردی تلقی کرده و انجام دادن و یا عدم رعایت آن را به خود فرد واگذار نموده باشد؛ یا اینکه علاوه بر فردی بودن این مساله، جنبه اجتماعی، حکومتی و حقوقی آن را نیز در نظر بگیرد. در این صورت حکم مساله و شیوه و شدت و ضعف برخورد، با فرد خاطی متفاوت خواهد بود. به طور مثال حکومت می‌تواند بنا بر اصل اولی از شیوه برخورد نرم بهره برده و به صورت فرهنگی توجه خود را به این مساله نشان دهد؛ و یا اینکه با برخوردی شدید و حقوقی با این مساله برخورد نماید.

مبانی و الگوهای
فقهی مواجهه با
بدپوششی در سیره
سیاسی و فرهنگی
معمومین(ع)

۴) سیره: سیره اسم مصدر از سیر بوده، در لغت به معنای گذشتن، حرکت کردن، جریان، طریقه و حالت است (معجم مقاییس اللغة، ۳: ۱۲۰). راغب در توضیح کلمه سیره می‌گوید: «حالت و رفتاری است که در انسان و یا غیر انسان نهادینه شده است و این حالت می‌تواند غریزی و یا اکتسابی باشد. چنانچه گفته می‌شود: فلانی دارای سیره حسنه یا سیره سوء است» (ن.ک. مفردات: ۴۳۳). بنابراین، وقتی از سیره فرد سخن گفته می‌شود منظور از آن شیوه، هیئت و حالت‌های رفتاری فرد در تعاملات او با اطرافیان می‌باشد. بر این اساس به مجموعه رفتارها و سبک زندگی معصومین(ع)، سیره معصومین گفته می‌شود (ن.ک. مشکانی سبزواری، حکمت اهل بیت، ۳: ۵۷). بنابراین آنچه از احادیث و روایات معصومین(ع) در این مقاله استفاده شده، در واقع نوعی روش‌شناسی و گونه‌شناسی رفتاری معصومان(ع) در مواجهه با بدپوششی است.

۵) روش اجتهادی تجمیع ظنون: در منطق فقهت، دو روش و مسلک عمده وجود دارد:

۵.۱) روش مدرسه‌ای، صناعت محور و صغری، کبرایی: یعنی روشی که فقیه در مسأله وارد می‌شود و در غالب قیاس اقترانی یا قیاس استثنایی، مطلب مورد نظر خود را سامان می‌دهد و از آن می‌گذرد و لذا به این روش مدرسه‌ای، ریاضی، صغری و کبرایی گفته می‌شود.

۵.۲) روش تجمیع ظنون: یعنی مجتهد از یک سری عناصر و مؤلفه‌هایی استفاده می‌کند که مجموعه این مؤلفه‌ها به انضمام هم می‌تواند در استنباط نقش داشته باشد؛ ولی اگر این مؤلفه‌ها به صورت جدا جدا بررسی شود، نتیجه‌ای نخواهد داشت. به عنوان مثال از جمله موارد و مؤلفه‌هایی که در این مکتب کاربرد دارد بحث شهرت فتوایی و جابریت آن برای ضعف سند است. این در حالی است که روایت ضعیف (ولو مشهور) در مکتب ریاضی حجت نیست. در رابطه با ادله مذکور در این مقاله نیز از روش اجتهادی تجمیع ظنون استفاده شده است. به این بیان که ممکن است روایت و یا روایاتی که در طی تحقیق مورد تمسک واقع شده، به تنهایی فاقد اعتبار باشد، ولی همین روایت یا روایات در کنار یکدیگر می‌تواند مورد استدلال واقع شده و اثبات مطلوب نماید.

۶) روش‌شناسی تعیین شیوه برخورد معصومین(ع) با مقوله بدپوششی

برای اثبات لزوم یا عدم لزوم و نیز نحوه برخورد با پدیده بدپوششی از سوی معصومین(ع)، از طریق سه روش می‌توان معیارهایی را به دست آورد:

روش اول: در روایات معصومین (ع)، لزوم یا عدم لزوم، حیطة و نیز نحوه برخورد با مسئله پوشش و بدپوششی به طور مستقیم و صریح، و نه صرفاً با اطلاق، بیان شده باشد؛

روش دوم: در اطلاقاتی که در زمینه برخورد با برخی ناهنجاری‌های دینی بیان شده، به مناسبت حکم و موضوع و نیز از طریق تنقیح مناط و... احکامی ناظر به لزوم یا عدم لزوم، حیطة و نحوه برخورد با بدپوششی به عنوان یکی از ناهنجاری‌های دینی به دست آورد؛

روش سوم: از طریق بررسی سیره عملی و تصرفات حکومتی و غیرحکومتی معصومین (ع)، لزوم یا عدم لزوم، حیطة و نحوه برخورد با پدیده پوشش و بدپوششی را به دست آورد.

در مقایسه این سه روش می‌توان گفت: **روش سوم**، تمسک به فعل معصوم (ع) است و اقتضای آن این است که فقط می‌تواند حیطة ایجابی مسئله را تعیین نماید و از بیان حیطة سلبی آن ناتوان است؛ یعنی می‌تواند بگوید در چه مواردی و چگونه باید با این مسئله برخورد نمود، ولی نمی‌تواند بگوید در چه مواردی نمی‌توان و یا نباید ورود نمود و دخالت کرد، مگر اینکه از معصوم (ع) نقل شود که در برابر بدپوششی سکوت کرده و سکوت او نیز ناشی از نداشتن مسئولیت نسبت به آن بوده است. علاوه بر اینکه چنین نقلی با تأکید بر علت سکوت نداریم، خلاف آن نیز نقل شده است، در حالی که دو روش دیگر می‌تواند حیطة ایجابی و سلبی را تعیین نماید.

روش دوم نیز به اقتضای اینکه مستند به قرینه لئی (اطلاق) است، متأخر از روش اول و سوم است. پس اگر روش اول یا سوم، لزوم یا عدم لزوم و یا حیطة و نحوه‌ای از برخورد را به دست داد، و روش دوم خلاف آن را نتیجه داد، روش اول یا سوم مقدم می‌شود.

به نظر می‌رسد بهترین روش، ترکیبی از روش‌های سه‌گانه است؛ یعنی باید به صورت توأمان از خصوص، سیره عملی معصومین (ع) و نیز از اطلاقاتی موجود در زمینه برخورد با ناهنجاری‌های دینی، برای تبیین مسئله بهره جست (ن.ک. مجله فقه، ۵۱: ۳).

۷) سنخ‌شناسی برخورد معصومین (ع) با مسئله بدپوششی

باید توجه داشت که در صورت اثبات اصل برخورد معصومین (ع) در برابر بدپوششی، نحوه برخورد ایشان دارای سطوح و سنوخ مختلفی بوده و از جنبه‌های مختلفی می‌توان انواعی از برخورد را ترسیم نمود. برای نمونه در ذیل به دو نوع دسته‌بندی در این زمینه اشارتی می‌رود:

الف) برخورد ایجابی و سلبی: بر خلاف کسانی که «برخورد» را منحصر در برخورد سلبی می‌دانند،^۱ در یک تقسیم‌بندی کلان، انحای برخورد از سوی معصومین(ع)، به دو دسته ایجابی و سلبی قابل تقسیم است. مقصود از برخورد ایجابی، برخوردهائی از قبیل: تعلیم، تبلیغ، ترویج، تشویق، تأدیب، نصیحت است، که جنبه اثباتی و ایجابی دارند. مقصود از برخوردهای سلبی نیز برخوردهائی از قبیل: تهدید، تحدید (محدودیت)، تحریم (محرومیت)، تعزیر، تعقیب، سرزنش است که جنبه انکاری و سلبی دارد.

ب) برخورد حکومتی و غیر حکومتی: با توجه به حکومت‌داری پیامبر اکرم(ص)، امیرالمومنین(ع) و امام حسن(ع) و محرومیت دیگر معصومین(ع) از این جایگاه، شاید بتوان انحای برخورد با پدیده بدپوششی را از این منظر نیز به دو دسته تقسیم نمود: برخورد حکومتی و برخورد غیر حکومتی. مقصود از برخورد حکومتی برخوردهائی است که از سوی پیامبر اکرم(ص)، امیرالمومنین(ع) و امام حسن(ع) در زمان حکومت‌داری ایشان و از شأن حکومتی ایشان ناشی شده است.^۲ مقصود از برخورد غیر حکومتی نیز برخوردهائی است که از سوی جملگی معصومین(ع) در زمان محرومیت آنها از حکومت از سوی ایشان صادر شده است. همچنین برخوردهائی که از سوی پیامبر اکرم(ص)، امیرالمومنین(ع) و امام حسن(ع) در زمان حکومت‌شان، اما از شأنی غیر از شأن حکومتی آنها صادر شده باشد نیز در زمره انحای برخورد غیر حکومتی قرار دارد.

۱. این تصور غلط باعث شده که نقش حکومت در برخورد با بدپوششی مورد مناقشه قرار گیرد! در حالی که حکومت می‌تواند (و باید) در دو جنبه ایجابی و سلبی توأمان، به مقابله با بدحجایی بپردازد. در گام اول حکومت وظیفه دارد از طریق راه‌حل‌های ایجابی و به اصطلاح از طریق فرهنگ‌سازی («برخورد فرهنگی»)، به نشر پوشش او مقابله با بدپوششی بپردازد، و اصل اولی در این زمینه، «برخورد فرهنگی» است. در گام دوم و در صورت عدم تأثیر اقدام فرهنگی، نوبت به برخورد سلبی و قهرآمیز، و به اصطلاح «برخورد حقوقی» می‌رسد. لذا نباید برخورد حکومت را صرفاً برخورد حقوقی دانست و از وظیفه او در حوزه فرهنگ‌سازی غفلت نمود و به دنبال آن، از لزوم عدم دخالت حکومت در این زمینه سخن گفت! به بیان روشن‌تر حکومت در زمینه پوشش، وظیفه دو نوع برخورد دارد: برخورد فرهنگی و برخورد حقوقی (قضائی). البته برخورد فرهنگی به مثابه قاعده و اصلاست و برخورد حقوقی و قضائی را استثناء به شمار آورد.

۲. برخی با مغالطه انحصار «عنوان عام دارای مصادیق گوناگون» در «یکی از مصادیق آن»، با انحصار برخورد حکومتی در برخورد حقوقی، و تغافل از شمول برخورد حکومتی بر «برخورد فرهنگی»، برخورد حکومتی از ناحیه پیامبر اکرم(ص)، امیرالمومنین(ع) و امام حسن(ع) با بدپوششی را منکر شده اند. این ادعا در حالی است که حتی اگر برخورد حکومتی را منحصر در برخورد حقوقی و قضائی بدانیم نیز، موارد متعددی از این نوع مواجهه در سیره پیامبر اکرم(ص) و امیرالمومنین(ع) مشاهده می‌شود که در ادامه مقاله به برخی از آنها اشاراتی خواهد رفت.

۸ انواع و گستره ادله مورد استناد برای اثبات نحوه مواجهه معصومین (ع) با بدپوشی

با توجه به تنوع روایات از جهت دلالت، ذیل عناوین فوق دو سنخ ادله وجود خواهد داشت:

الف) ادله عام: ادله‌ای که به صورت عام و از طریق اطلاق‌گیری، تنقیح مناط، تعیین مصداق و... بر مسئله پوشش و بدپوشی قابل تطبیق هستند. به عنوان نمونه روایت نبوی «مَنْ أَصَابَ مِنْ هَذِهِ الْأَقْدُورَاتِ شَيْئًا... نَقِمَ عَلَيْهِ حَدَّ اللَّهِ» (عوالی اللثالی، ۳: ۴۴۱) که در جریان اجرای حد (حد به معنای عام) بر یکی از مسلمانان صادر شده است، با این پیش فرض که بدپوشی نیز از مصادیق قاذورات است، می‌تواند به عنوان یکی از ادله عام برخوردار تأدیبی-تعزیری پیامبر اکرم (ص) با پدیده بدپوشی به شمار آید.

ب) ادله خاص: ادله‌ای که به صورت خاص و موردی و با صراحت بیانگر نحوی از انحاء برخوردار معصوم (ع) با پدیده پوشش و بدپوشی است. به عنوان نمونه روایت نبوی «يَطْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ... نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٌ فِي الْأَقْتِنِ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحْلَاتٌ لِلْمَحْرَمَاتِ» (من لايحضره الفقيه، ۳: ۳۹۰) یکی از ادله خاص است که به صراحتاً بیانگر برخورد تهدیدی-تقبیحی پیامبر اکرم (ص) با بدپوشی می‌باشد. گفتنی است گستره و دایره ادله مورد استناد تحقیق حاضر نیز سیره و روایات پیامبر اکرم (ص)، حضرت زهرا (س) و ائمه دوازده‌گانه امامیه (ع) می‌باشد. نیز لازم به ذکر است که در مقام ارائه ادله، ادله عام و خاص به صورت یکجا و تحت یک عنوان ارائه خواهد شد و تمیز ادله عام از خاص، با توجه به محتوای آنها به راحتی امکان‌پذیر می‌باشد.

۹ دلایل کمبود نص در رابطه با برخورد معصومین با بدپوشی

برخی از مخالفین برخورد با پدیده بدپوشی، با این ادعا که در سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) و نیز در اعلامیه‌های رسمی و حکومتی ایشان امری دال بر برخورد ایشان با این پدیده وجود ندارد، بر عدم مشروعیت چنین کاری پای می‌فشارند! چنانکه در ادامه این تحقیق اثبات خواهد شد، عدم برخورد معصومین (ع)، خصوصاً پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) با پدیده بدپوشی، ادعایی پوچ و واهی است، چه اینکه در موارد فراوان و متعددی شاهد برخوردهای گونه‌گونه ایشان با این پدیده شوم هستیم. با این حال کمبود گزارش‌ها و روایات در این زمینه نسبت به زمینه‌های دیگر، می‌تواند مستند به چند امر باشد:

یک) زمان نزول حکم حجاب: حکم وجوب حجاب در سال پنجم هجری و بنا بر برخی روایات و گزارش‌ها در سال هشتم هجری تشریح گردیده است (ن.ک. قاموس قرآن، ۸: ۳۰۲؛ المیزان، ۲۰: ۳۷۶؛

البرهان، ۱: ۲۵۱). بر این اساس تا حدود ۱۸ سال بعد از بعثت حجاب کامل میان مسلمانان واجب نبود. این امر یکی از مهمترین دلایل کمبود گزارش در برخورد پیامبر اکرم(ص) با این پدیده است؛ وقتی هنوز حکم حجاب نازل نشده، برخورد با بدپوششی چه معنایی دارد؟

دو) فقدان مصداق: در سال‌های اولیه نزول آیات حجاب و ابلاغ حکم و جوب آن از سوی پیامبر اکرم(ص) تمامی زنان ساکن در مدینه و دیگر سرزمین‌های اسلامی چنان به این حکم الهی مقید و ملتزم گشتند که دیگر نیازی به برخورد و الزام عمومی و حکومتی از سوی پیامبر اکرم(ص) و امیرالمومنین(ع) نبود؛ گرچه در مواردی حتی شاهد این مهم نیز هستیم؛ مروری بر گزارش‌های روایی و تاریخی از وضعیت حجاب در جامعه صدر اسلام، پس از نزول آیات و حکم حجاب، صحت این ادعا را روشن می‌نماید. برای نمونه به مواردی چند از این گزارش‌ها اشارتی می‌رود:

۱- گزارش‌های عایشه: در وصف وضعیت حجاب پس از نزول آیه و حکم حجاب از عایشه نقل شده است که: عن عائشة زوج النبي أنها قالت يرحم الله النساء المهاجرات الاول لما انزل الله «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» شقن كفف مروطن فاخترن به؛ رحمت خدا بر زنان مهاجر پیشگام باد که هنگامی که خداوند فرمان حجاب را نازل فرمود، ضخیم‌ترین پوشش‌های پشمین خود را برش داده و با آن سر و گردن خود را پوشاندند (طبری، جامع‌البیان، ۹: ۳۰۶). در گزارش نقل است که: «نزد عایشه از برتری زنان قریش سخن به میان آمد. او گفت زنان قریش صاحبان فضیلت‌اند، اما به خدا قسم من در پای‌بندی به کتاب خدا و ایمان به قرآن کسی را برتر از زنان انصار ندیدم. وقتی آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» نازل شد، بعد از آن هر یک از آن زنان با لباس خود، سر و کناره‌های صورتش را می‌پوشاند. آنان وقتی صبح پشت سر رسول‌خدا به نماز ایستادند سر و گردن خود را پوشانده بودند، به گونه‌ای که خیال می‌کردی بر سر آنها کلاغ نشسته است» (سیوطی، الدرالمثور، ۵: ۴۲).

۲- گزارش ام‌سلمه: ام‌سلمه نقل می‌کند که: لما نزلت هذه الآية «يُدْتِئِنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» خرج نساء الأنصار كان على رؤسهن الغريان من أكسية سود يلبسنها؛ بعد از نزول آیه «يُدْتِئِنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» زنان انصار از منازلشان با پوشش‌های مشکی خارج می‌شدند به گونه‌ای که به نظر می‌رسید بر سر ایشان کلاغی نشسته است (همان، ۵: ۲۲۱). این گزارش ذیل آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» نیز در جوامع روایی نقل شده است: «أخرج البخاري وأبو داود والنسائي وابن جرير ابن المنذر وابن أبي حاتم وابن مردويه والبيهقي في سننه عن عائشة قالت: رحم الله نساء المهاجرات الأول لما أنزل الله «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» أخذ النساء ازهن فشققنها من قبل الحواشي فاخترن بها» (همان، ۵: ۴۲).

۳- منع کنیزان از رعایت حجاب: مؤید دیگری برای این ادعا، منع کنیزکان از رعایت حجاب، به عنوان نشانه‌ای برای تمییز بین زنان آزاده و کنیز است. توضیح اینکه در برخی روایات منقول است که کنیزان مسلمان سر خود را نمی‌پوشاندند و در دوره خلفاء مانع حجاب کنیزکان می‌شدند: «أَبِي خَالِدٍ الْقَمَاطِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْأَمَةِ اتَّقَعُ رَأْسَهَا قَالَ إِنْ شَاءَتْ فَعَلَتْ وَإِنْ شَاءَتْ لَمْ تَفْعَلْ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ كُنْ يَضْرِبُنَ فَيَقَالُ لَهُنَّ لَا تَشَبِهْنَ بِالْحَرَائِرِ» (وسائل الشيعه، ۴: ۴۱۲). اگر این سنخ روایات درست باشد، بیانگر این مطلب است که بی‌حجابی در صدر اسلام نبوده؛ زیرا عدم پوشش، نشانه کنیز بودن قلمداد می‌شد و زنان آزاد به خاطر اینکه به کنیزان مشابه نشوند سر خود را می‌پوشاندند.^۱ بحث پوشش مناسب و فلسفه وجودی آن برای زنان تا آنجا پیش می‌رود که حتی کنیزانی که از صاحبان خود دارای فرزند می‌شوند (ام‌ولد) نیز به سبب وضعیت جدید خود، ملزم به رعایت حجاب و پوشش می‌شوند: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) عَنِ امَّهَاتِ الْأَوْلَادِ لَهَا أَنْ تَكْشِفَ رَأْسَهَا بَيْنَ يَدَيِ الرَّجَالِ قَالَ تَقَعُّ» (وسائل الشيعه، ۲۰: ۲۰۷). این روایت نیز بیانگر اهتمام ویژه معصومین(ع) به مقوله پوشش در جامعه اسلامی است.

۴- کیفیت حجاب حضرت زهرا(س): کیفیت حجاب حضرت زهرا(س) نیز یکی از نشانه‌های وضعیت حجاب در آن زمان می‌باشد. به چند گزارش در این زمینه اشارتی می‌رود:

الف) در گزارش‌های خروج آن بانو از خانه در جریان فدک می‌خوانیم: لَمَّا بَلَغَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ اجْتَمَعَ أَبِي بَكْرٍ عَلَى مَنَعِهَا فَدَكَ، لَا تَتَّخِمَارَهَا، وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَمَةٍ مِنْ حَدَّتْهَا وَنَسَاءِ قَوْمِهَا، تَطَأُ فِي دُيُولِهَا، مَا تَخْتَرِمُ مَشِيَّتِهَا مِثْلِيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى دَضَخَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَقَدْ حَشَرَ النَّاسَ مِنَ الْأُمَّهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، فَضْرَبَ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُمْ رِبْطَهُ بِيضَاءً؛ هنگامی که به فاطمه(س) ثابت شد که ابوبکر فدک را از او به زور گرفته و تحویل نمی‌دهد، آن بانوی عزیز، مقنعه و روسری‌اش را بر سر محکم بست و با عده‌ای از زنان متدین و نزدیکان خویش که او را در میان گرفته بودند به سوی مسجد رسول‌الله حرکت کرد، در حالیکه با لباس‌های طولانی را می‌رفت که حتی روی پاهای او پوشیده بود و بدنش پیدا نمی‌شد و چنان را می‌رفت که گویا پیامبر اکرم(ص) در حرکت است وارد مسجد شد. جمعیت مهاجر و انصار آنجا را پر کرده بودند و برای دختر پیامبر(ص) جایگاهی درست کرده بودند، که مردها او را نمی‌دیدند (بحارالانوار، ۴۳: ۱۹۲). در گزارش دیگری در این باره می‌خوانیم: «رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى

۱. گفتنی است صاحب جواهر صدور این روایات از ائمه معصومین(ع) را ناشی از تقیه می‌داند (جواهر الکلام، ۸: ۲۲۴).

مَنْعَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَذَكَ، وَبَلَّغَهَا ذَلِكَ، لَأَتَتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا؛ مَقْنَعَهُ رَا بَرِ سِرِّبَسْتِ وَ جِلْبَابِ وَ چادر را به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند، به تن کرد» (همان، ۲۹: ۲۲۰).

ب) گزارش حضور آن حضرت در خانه پیامبر اکرم (ص): «فَتَجَلَّتْ بِجِلْبَابِهَا وَ تَرَقَّتْ بِرِقْعِهَا وَ أَرَادَتْ النَّبِيَّ (ص)؛ چادرش را سر نمود، و رویندش را انداخت و به طرف منزل پدر حرکت نمود (همان، ۴۳: ۱۴۷).

ج) هنگام وصیت به فضاخه خادمه برای تهیه تابوت فرمود: «إِنِّي قَدْ اسْتَبَخْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ إِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْأَةِ الثُّوبُ فَيَصْفُهَا لِمَنْ رَأَى؛ من دوست ندارم کاری را که با جنازه زنان می‌کنند، و پارچه‌ای بر روی آن می‌اندازند که برآمدگی‌های بدنش را نامحرمانان می‌بینند». لذا حضرت دستور داد برای ایشان تابوتی ساخته و بدن او را داخل تابوت بگذارند، بگونه‌ای که کسی او را نبیند (وسائل الشیعه، ۳: ۲۲۱).

سه. دلیل کمبود نص در سیره دیگر معصومین (ع): کمبود نص درباره مواجهه رسمی و حکومتی با بدپوششی در سیره نبوی و علوی، اولاً مستند به تاخیر در تنزیل حکم حجاب است و ثانیاً فرآیند تدریجی نزول احکام مانع از برخورد سخت و چکشی در این زمینه و موارد مشابه بوده است. ثالثاً چنانکه گذشت این پدیده در آن زمان مصادیق چندانی نداشت. رابعاً چنانکه خواهد آمد در موارد متعددی شاهد برخوردهای رسمی از سوی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) با این پدیده هستیم. کمبود نص در این زمینه از سوی دیگر ائمه (ع) نیز بدین دلیل بوده است ایشان در زمان بنی امیه و بنی عباس حکومت و قدرتی در دست نداشتند تا دستور حکومتی برای جلوگیری از بدحجابی و بدپوششی صادر نمایند، به همین دلیل صرفاً به برخورد فرهنگی و ارشادی بسنده می‌کردند.

۱۰) برخی از برخوردهای رسمی و حکومتی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) با بدپوششی
در سیره نبوی و علوی به موارد متعددی برخورد می‌کنیم که در اعلامیه‌ها و بیانات رسمی و حکومتی، پدیده بدپوششی مورد تقبیح و مذمت قرار گرفته و در مواردی از عمال حکومتی خواسته شده که با این امر مقابله نمایند. در ذیل به چند مورد اشارتی می‌رود:

۱۰۱. پیامبر اکرم (ص): هنگامی که عمرو بن حزم را به عنوان والی نجران منصوب کرد، شرح وظایفی برای او نگاشت و در بخشی از آن، او را مسئول پاکدامنی و حجاب مردم دانست و از او خواست به اقدامات عملی در این زمینه بپردازد: «عهد من محمد النبی رسول الله (ص) لعمرو بن حزم حین بعثه الی الیمن، امره بتقوی الله فی امره کلّه... و ینهی الناس أن یصلی أحد فی ثوب واحد صغیر، الا أن یكون ثوبا ینشی طرفیه علی عاتقیه، و ینهی الناس أن یحتیی أحد فی ثوب واحد ینضی بفرجه الی السماء. و ینهی أن یقتض أحد شعر رأسه فی قفاه» (مکاتیب الرسول، ۲: ۵۲۸). این روایت با صراحت، برخورد با پدیده بدپوششی را از کارویژه‌های حکومت می‌داند.

۱۰۲. پیامبر اکرم(ص): جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که پیامبر اکرم(ص) از توقف زنان در مسیر رفت و آمد و پوشیدن لباس شهرت، زینت در صدا (ناز و کرشمه در سخن) و بلند کردن صدا در غیر ضرورت نهی می‌فرمود: «عن النبی(ص): أَنَّهُ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَسْلُكْنَ وَسَطَ الطَّرِيقِ وَقَالَ لَيْسَ لِلنِّسَاءِ فِي وَسَطِ الطَّرِيقِ نَصِيبٌ وَنَهَى أَنْ تَلْبَسَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ ثَوْبًا مَشْهُورًا أَوْ تَتَحَلَّى بِمَا لَهُ صَوْتٌ يُسْمَعُ وَلَعَنَ الْمَذْكُورَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمَوْتِنِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَنَهَى النِّسَاءَ عَنْ إِظْهَارِ الصَّوْتِ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ وَنَهَاهُنَّ عَنِ الْمَيْبِتِ فِي غَيْرِ بُيُوتِهِنَّ وَنَهَى أَنْ يُسَلَّمَ الرَّجُلُ عَلَيْهِنَّ؛ همانا پیامبر اکرم(ص) نهی می‌فرمود از اینکه زن از وسط خیابان و یا کوچه راه برود، و می‌فرمود: زنان سهمی در وسط جاده ندارند، و همچنین او نهی می‌کرد از اینکه زن هنگام خارج شدن از منزل، لباسی بپوشد که مشهور و انگشت نما باشد، و یا خود را تزئین به زیور آلاتی نماید که موقع راه رفتن سر و صدای آنها شنیده شود (و با عث جلب توجه مردان نامحرم گردد)، و همانا او لعنت می‌کرد زنانی را که خود را (از لحاظ پوشش و رفتار) شبیه مردان می‌کنند و یا مردانی را که خود را شبیه زنان می‌نمایند، و همچنین نهی می‌کرد از اینکه زنان بدون ضرورت در میان نامحرم حرف بزنند، و یا در غیر خانه‌های خودشان شب را بخوابند، و همچنین نهی می‌کرد از این که مردان نامحرم بر آنان سلام کنند (مستدرک الوسائل، ۱۴: ۲۸۰). این روایت پیرامون حضور زنان در اجتماع از جهت پوشش و شیوه گفت و گوی اجتماعی آنان وارد شده است. بنابراین از روایت می‌توان این مطلب را برداشت نمود که، حکومت می‌تواند در صورت عدم رعایت پوشش در محافل اجتماعی توسط زنان با ایشان برخورد نموده و مانع از حضور زنان بدحجاب در جامعه شود.

۱۰۳. پیامبر اکرم(ص): نقل شده است: هنگامی که رسول خدا نماز جماعت را تمام می‌کرد، هنگام خارج شدن از مسجد، قدری درنگ می‌کرد تا زنان خارج شوند: «حمزة بن ابی أسید الأنصاری عن أب أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ(ص) يَقُولُ وَهُوَ خَارِجٌ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَاخْتَلَطَ الرَّجَالُ مَعَ النِّسَاءِ فِي الطَّرِيقِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) لِلنِّسَاءِ: اسْتَأْخِرْنَ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكُنَّ أَنْ تَحَقِّقَنَّ الطَّرِيقَ، عَلَيْكُنَّ بِحَافَاتِ الطَّرِيقِ (سنن ابی داود، ۷: ۵۴۳). همچنین آن حضرت به زنان دستور داده بود هنگامی که زنان در مسجد حضور می‌یابند، عطر و بوی خوش بکار نبرند: إِذَا شَهِدْتَ إِحْدَاكُنَّ الْمَسْجِدَ فَلَا تَمَسِّي طَيِّبًا (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۹: ۳۴۷). حضور زنان در مسجد تابع حضور آنان در اجتماع است. بنابراین پیامبر در این روایت به نوعی در مقام بیان کیفیت حضور زنان در اجتماعات و مواردی که باید از جانب آنها رعایت شود، می‌باشد.

۱۰۴. پیامبر اکرم(ص): حضرت به دختر گرامی خود دستور داد از اضافه ملحفه، سرش را بپوشاند: عَنْ جَابِرٍ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) يُرِيدُ فَاطِمَةَ(ع) وَ أَنَا مَعَهُ فَلَمَّا اتَّهَيْتُنَا إِلَى الْبَابِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَ دَفَعَهُ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ

عَلَيْكُمْ قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ (ص) اَدْخُلْ قَالَتْ اَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ اَدْخُلْ [أَنَا] وَمَنْ مَعِيَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ عَلَيَّ رَأْسِي قِنَاعٌ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ خُذِي فَضْلَ مِلْحَتَيْكَ فَأَقْنَعِي بِهِ رَأْسَكَ فَفَعَلَتْ (مستدرک الوسائل، ۸: ۳۶۸). در این روایت کیفیت پوشش توسط پیامبر خطاب به دختر گرامی شان بیان شده است. با تفتیح مناط می توان این روایت را علتی بر لزوم پوشاندن سر، توسط زنان در حضورهای اجتماعی و در برابر نامحرمان دانست. بنابراین حکومت می تواند در راستای برنامه ریزی جهت پوشش زنان از اینگونه روایات به عنوان راهبرد استفاده نماید. چنانچه در روایات دیگری که در ذیل بدانها اشاره خواهد شد، نیز به بحث کیفیت ظاهر شدن زنان در محیطهای اجتماعی پرداخته شده است و هرکدام از این روایات می تواند مبنایی برای ایجاد قوانینی در مورد مساله پوشش و حجاب و یا مقابله حکومت با پدیده بدپوششی قرار بگیرد.

۱۰۵. پیامبر اکرم (ص): امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) می فرماید: زنان نباید در جامعه از وسط جاده و یا خیابان و یا کوچه عبور کنند، بلکه باید همیشه از دو طرف آن (کناره‌ها) راه روند: «هَشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سِرَاةِ الطَّرِيقِ وَ لَكِنْ جَنْبَيْهِ يَعْنِي وَسَطَهُ (کلینی، الکافی، ۵: ۵۱۹). این روایت صراحتاً که جنبه اجتماعی و حکومتی داشته و در آن به کیفیت حضور زنان در خیابان اشاره شده است، از یک سو اشاره می کند، رفت و آمد زنان در معابر عمومی موجب جلب توجه مردان می شود و شاید منجر به اعمال نامطلوب و منفی شود و از سوی دیگر نباید مانع از رفت و آمد زنان شد. پس اگر هنگام رفت و آمد از کنار کوچه و خیابان عبور کنند تا کمتر مورد توجه واقع شوند، مناسب تر است. لذا اگر زنی بدون حجاب یا با حجاب نامناسب شرعی بخواهد در انتظار عمومی رفت و آمد نماید، به شدت مورد نهی واقع می شود؛ زیرا در چنین حالتی جلب توجه بیشتری پیش می آید. از این رو، بی حجابی زنان در حکومت اسلامی مورد نهی موکد است.

۱۰۶. پیامبر اکرم (ص): امام صادق (ع) می فرمایند: از جمله پیمان‌هایی که رسول خدا (ص) از زنان امت خود گرفت این است که چادرهای خود را در بین ساق پا و پشت خود جمع نکنند (و بر بدن نجسباندند)، و با مردان نامحرم در محل خلوتی ننشینند: «مِسْمَعُ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: فِيمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنَ الْبَيْعَةِ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَبِينَ وَلَا يَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ» (همان). قرار گرفتن چنین مفاد در یک پدیده سیاسی و اجتماعی (بیعت) بیانگر الزام از جایگاه حقوقی و حکومتی است.

۱۰۷. امیرالمومنین (ع): امام صادق (ع) به نقل از امیرالمومنین (ع) کیفیت حضور زنان در یکی از مکان‌های عمومی یعنی بازار را تعیین می فرماید، که این حکم را می توان با تفتیح مناط در دیگر

مکان‌های عمومی نیز جاری ساخت: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نَبِئْتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ (همان: ۵۳۷). و در حدیث دیگری از حضرت نقل است که: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُزَاحِمْنَ الْغُلُوجَ» آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آید، که زنان شما راهی بازارها و مغازه‌ها می‌شوند و با افراد بی‌دین برخورد می‌کنند (همان).

سیاق خطاب حضرت نشان می‌دهد که از جایگاه حکومت، چنین سرزنشی را متوجه سهل‌انگاری عراقیان کرده است و نه امر به معروف و نهی از منکر شخصی. خطاب کلی به عراقیان و گزارش دادن به حضرت گویای این نکته است. وقتی حضرت در حالی که حاکم است، آن هم با این لحن، خطابی را متوجه جامعه می‌کند، اصل این است که از موضع حاکمیت است و نه صرف بیان حکم شرعی یا وظیفه شخصی امر به معروف و نهی از منکر، همانند هر فرد دیگر. دیگر اینکه مقصود روایت این نیست که چرا زنان اهل عراق به رفت و آمد در خیابان و بازار مبادرت می‌کنند؛ بلکه مقصود سرزنش اهل عراق از نحوه رفت و آمد زنان است. به قرینه سخن رسول‌الله (ص) که پیش‌تر نقل شد، امیرالمومنین (ع) زنان اهل عراق را امر کردند به هنگام رفت و آمد باید از کنار راه عبور کنند تا برخوردی با مردان پیش نیاید، اگر غیر این اتفاق افتد، نشانه بی‌غیرتی اهل آن شهر است. مطابق این روایت نیز بی‌حجابی زنان در معابر عمومی به طریق اولی مورد نهی حاکم اسلامی قرار می‌گیرد.

۱۰۰۸. پیامبر اکرم (ص): منقول است که: «أَنَّ النَّبِيَّ (ص) أَتَى بِمَخْنَثٍ قَدْ خَضِبَ يَدَيْهِ وَرَجَلَيْهِ بِالْحِمْءِ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) مَا بَالُ هَذَا؟ فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَتَشَبَّهُ بِالنِّسَاءِ، فَأَمَرَ بِهِ فَنَفَى إِلَى التَّقِيعِ؛ مَرَدِي زَن صَفْتٍ رَا يِيشَ يِيامبر (ص) آوردند که دست و پای خود را حنا گذاشته بود. حضرت پرسید: چرا چنین کرده است؟ گفتند: خود را شبیه زنان می‌سازد. پیامبر دستور تبعید او را به منطقه‌ای در مدینه به نام (تقیع) صادر کرد» (سنن ابی داود، ۷: ۲۸۸).

۱۱) توهم تعارض برخی گزارش‌ها با ادعای مواجهه معصومین (ع) با پدیده بدپوشی

احتمالاً برخی با استناد به برخی گزارش‌های تاریخی و نیز با تمسک به برخی روایات، در صدد به چالش کشیدن ادعای مواجهه و برخورد معصومین (ع) با پدیده بدپوشی برآیند؛ گزارش‌ها و روایاتی که حاکی از وجود بدپوشی در جامعه زمان معصومین می‌باشد و بر خلاف ادعای مقاله حاضر، معصوم (ع) با آن برخوردی ننموده است. پرسش این است که آیا این گزارش‌ها با وجوب حجاب در آن دوره و نیز ادعای مواجهه معصومین (ع) با بدپوشی، منافاتی ندارد؟ به چند طریق می‌توان به این ادعا پاسخ داد:

۱. بر فرض صحت این گزارش‌ها، پرسش این است که چرا و چگونه بین آنها و ادعای مواجهه معصومین با پدیده بدپوششی تعارض وجود دارد؟ ادعای مقاله حاضر مواجهه معصوم با بدحجابی است و این گزارش‌ها حاکی از وجود بدپوششی و بدحجابی در جامعه است. چگونه این دو ادعا با یکدیگر در تعارض هستند؟ بله، در صورتی می‌توان این ادعا را پذیرفت که این بدپوششی‌ها در مرئی و منظر معصوم(ع) بوده باشد و معصوم(ع) بدون اینکه در شرایط تقیه باشد، هیچ عکس‌عملی نشان نداده باشد. اما این گزارش‌ها بر فرض صحت آنها، و با غض نظر از قلت آنها، اولاً در مرئی و منظر بودن معصوم(ع) را اثبات نمی‌کند و ثانیاً بر فرض وقوع آن در مرئی و منظر معصوم(ع)، توان اثبات این که معصوم در شرایط تقیه بوده، را ندارد.

۲. دیگر اینکه در صورتی می‌توان به این سنخ گزارش‌ها استناد کرد که مفاد آنها بعد از نزول حکم وجوب حجاب واقع شده باشد، این در حالی است که اکثر موارد مورد استناد مخالفان، برخی گزارش‌های مربوط به قبل از نزول حکم حجاب است. برای نمونه برخی از مخالفان برای اثبات مدعای خویش (مبنی بر عدم مواجهه معصومین با بدپوششی) به روایت ذیل که از امام باقر(ع) نقل شده، استناد می‌کنند: «استقبل شاب من الانصار امرأة بالمدينة وكان النساء يتقعن خلف آذانهن فنظر إليها

وهي مقبلة فلما جازت نظر إليها ودخل في زقاق قد سماه بيني فلان فجعل ينظر خلفها واعترض وجهه عظم في الحائط أو زجاجة فشق وجهه فلما مضت المرأة فإذا الدماء تسيل على صدره وثوبه فقال: والله لآتين رسول الله(ص) ولأخبرنه قال: فأتاه فلما رآه رسول الله(ص) قال له: ما هذا؟ فأخبره فبهط جبرئيل(ع) بهذه الآية: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبه‌رو شد. در آن زمان زنان پوشش سر خود را پشت گوش‌های خود می‌انداختند. وقتی زن از کنار وی گذشت جوان سر را به عقب برگرداند و هم چنان که راه می‌رفت وی را نظاره می‌کرد. ناگاه صورتش به استخوان یا تکه شیشه‌ای که از دیوار بیرون زده بود برخورد کرد. وقتی آن زن از نظرش محو شد نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد. [به خود آمد] و گفت: به خدا سوگند خدمت پیامبر اکرم می‌رسم و او را از این مسئله خبر دار می‌کنم. پس خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جويا شد و او جریان را به اطلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (الكافی، ۵: ۵۲۱). از نگاه مستشکل نحوه برخورد پیامبر با مسئله و نیز محتوای آیه نازل شده، بیانگر عادی بودن این نحوه از پوشش در مدینه بوده و هیچگونه مواجهه‌ای از سوی پیامبر اکرم(ص) با آن زن گزارش نشده است.

این در حالی است که این گزارش و نظایر آن، چنانکه ذیل آن گواه و شاهد بر آن است، قبل از حکم حجاب واقع شده و نمی‌تواند مورد استدلال برای عدم برخورد پیامبر اکرم(ص) با پدیده بدپوششی قلمداد گردد. دیگر موارد مورد استشهاد مخالفان نیز از همین سنخ است (ن.ک. حجاب شرعی در عصر پیامبر: ۶۳۴ به بعد). علاوه اینکه فضای روایت و نیز شأن نزول آیه، بیانگر این است نکته است که آن جوان برای شکایت از بدحجابی آن زن به پیامبر اکرم(ص) مراجعه نموده است.

۳. چنانکه گذشت و در بخش دوم نیز موارد متعدد و گوناگونی ارائه خواهد شد، گزارش‌ها و روایات فراوانی از منابع شیعه و سنی وجود دارد که دال بر مواجهه با پدیده بدپوششی در سیره نبوی، علوی و ائمه معصوم(ع) می‌باشد و حجم و دلالت این روایات و گزارش‌ها به گونه‌ای است که گزارش‌های مورد استناد مخالفین تاب مقاومت در برابر آنها و سلب حجیت آنها را ندارد.

فصل دوم: انحای مواجهه معصومین(ع) با بدپوششی

با مراجعه به روایاتی که در رابطه با پوشش و یا بدپوششی از جانب معصومان(ع) به ما رسیده است، به وضوح روشن می‌شود که ایشان در همه جا به یک شکل عمل نکرده و از شیوه‌های مختلفی برای مواجهه و برخورد با پدیده بدپوششی استفاده می‌کردند. در یک دسته‌بندی کلی این روایات را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول مواردی است که معصوم(ع) بصورت ایجابی با مسئله برخورد نموده و دسته دیگر مواردی است که شیوه مواجهه، سلبی بوده است. در ذیل به مواردی از این دو دسته اشاره خواهد شد:

۱) برخورد ایجابی:

۱،۱. ۱. **تعلیمی-تبلیغی (ادله عام و خاص):** استفاده از شیوه تعلیمی یکی از مواردی است که معصوم(ع) با استفاده از این روش و شیوه برخوردی ایجابی با پدیده پوشش و بدپوششی از خود نشان داده است. در ادامه روایات عام و خاصی که دال بر این موضوع است را ملاحظه می‌فرمایید:

۱،۱،۱. امام صادق(ع): «السُّكُونِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَأَلَ النَّبِيَّ (ص) مَا زِينَةُ الْمَرْأَةِ لِلْأَعْمَى قَالَ الطَّيِّبُ وَالْخِضَابُ فَأَنَّهُ مِنْ طَيِّبِ النَّسَمَةِ؛ زینت زن در پیش مرد نابینا چه چیزی است؟ فرمود: عطر و حناء؛ چرا که حنا هم از خوشبوکننده‌های انسان محسوب می‌شود» (الکافی، ۵: ۵۶۴). بر اساس آیات قرآنی زنان باید زینت‌های خود را از دید نامحرمات مخفی و با پوشش مناسب در مجالس و ملاقات با مردان حاضر شوند. با توجه به این دستور صریح مسئله‌ای که به وجود می‌آید این است که چه چیزهایی زینت

می‌باشد؟ امام (ع) در این روایت در مقام بیان برخی از مصادیق زینت بوده و بواسطه این بیان به نوعی شیوه برخورد زنان با مردانی که اعمی و کور هستند را آموزش می‌دهد.

۱،۱،۲. حضرت زهرا (س): «عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ فَعَيْنَا بِذَلِكَ كُنَّا حَتَّى تَفْرَقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ (ع) فَأَخْبَرْتُهَا بِالَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِّنَّا عَلِمَهُ وَ لَأَعْرِفُهُ فَقَالَتْ وَ لَكَيْتُ أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ خَيْرٌ لِهِنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ فَقَالَ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمَهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي فَقُلْتُ فَاطِمَةُ فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) - وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي» (وسائل الشيعه، ۲۰: ۶۷). در این روایت حضرت توصیه‌ای اخلاقی به زنان نموده است؛ یعنی با نگاه به ویژگی‌های روحی و جسمی زن از یک سو و نیاز بشر در هر عصر و زمان به حفظ ارزش‌های اخلاقی و انسانی که در راس آنها همزیستی سالم اخلاقی زن و مرد است از سوی دیگر، سفارش دور بودن زن از مرد را مطرح کرده است؛ چراکه زن نقش اساسی در سلامتی یا فساد جامعه ایفا می‌کند. البته این امر منافاتی با حضور زن در اجتماع و مناصب اجتماعی در صورت احتیاج و ضرورت همراه با رعایت شئون و احکام اسلامی ندارد.

۱،۱،۳. امیرالمومنین (ع): «قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ (ع) إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ وَ عَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ فَانْكُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِذْخَالِكَ مِنْ لَأَ يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ وَ لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَ لَا تَعُدُّ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تَطْمَعُهَا أَنْ تَشْمَعَ لِغَيْرِهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّمِّ وَ الْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ» (بحار الانوار، ۱۰۰: ۲۵۲). حضرت سفارش می‌کند که با پوشیده داشتن زنان، نگاه آنان را محدود ساز؛ زیرا حجاب کامل در عفت آنان تأثیر دارد و رفت و آمد بیرون خانه برای آنان خطر کمتری از آن نیست که فرد بیگانه‌ای را به خانه آوری، و اگر می‌توانی، کاری کن که با غیر تو آشنایی نداشته باشد. در واقع حضرت در توصیه خود نکاتی در رابطه با پاسداری و حفظ محیط خانواده و مسئولیت مردان در این زمینه را متذکر شده است. براساس این توصیه اخلاقی مردان در حفظ حجاب همسران خود مسئول بوده و باید در این زمینه نظارت داشته باشند.

۱،۱،۴. امیرالمومنین (ع): «قَالَ عَلِيٌّ (ع) إِنَّمَا الْمَرْءُ لِعِبَةِ فَمَنْ اتَّخَذَهَا فليَغْطِهَا؛ به راستی که زن ظریف و آسیب‌پذیر است، هر کس او را (به همسری) گرفت باید بیوشاندش» (غررالحکم: ۲۷۳). در این روایت نیز به حفظ نظام خانواده توسط مردان اشاره شده است. براساس این روایت یکی از شیوه‌های حفظ خانواده مدیریت روابط زن با محیط اطرافش توسط مرد است.

۱.۱۵. پیامبر اکرم (ص): «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ سَتَرَهَا يَبِيْهَا فَإِذَا خَرَجَتْ اسْتَشْرَفَهَا الشَّيْطَانُ؛ زن سراسر بیکرش (اندام، حرکات و صدایش) شهوت‌انگیز و تحریک کننده است. هنگامی که از خانه خارج می‌شود شیطان سراسر وجود او را احاطه می‌کند» (مجموعه ورام، ۲: ۱۱۹). این حدیث مربوط به زنانی است که در برابر نامحرم -در داخل و خارج منزل- حجاب کامل را رعایت نمی‌کنند و با لباس‌ها و سخنان و حرکات تحریک‌آمیزشان فضای جامعه را آلوده می‌سازند.

۱.۱۶. امام علی (ع): «صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَذْوَمُ لِحَمَالِهَا؛ حفاظت از زن برای او بهتر و زیبایی‌اش را پایدار می‌سازد» (جامع‌الاحادیث، ۲۵: ۵۴۰). یکی از مصادیق حفاظت از زن «حفظ پوشیدگی» می‌باشد.

۱.۱۷. پیامبر اکرم (ص): فی مجمع البیان «غَيْرَ مَتْرُجَاتٍ بَرِيْنَةٍ» و قد روی عن النبی (ص) انه قال: للزوج ما تحت الدرع، و للابن و الأخت ما فوق الدرع، و لغير ذی محرم اربعة أثواب: درع و خمار و جلباب و إزار؛ نمایان ساختن تمام بدن برای زوج، سر و گردن برای پسر و برادر جایز است، اما در برابر نامحرم باید از چهار پوشش استفاده کرد: پیراهن، روسری، پوششی وسیع‌تر از روسری که بر روی سینه می‌افتد و چادر (نورالتقلین، ۳: ۶۲۴).

۱.۱۸. پیامبر اکرم (ص): «لَا تَحِلُّ لِمَرْأَةٍ حَاضَتْ أَنْ تَتَّخِذَ قِصَّةً أَوْ جُمَّةً؛ روا نیست زنی که به دوران عادت ماهانه و بلوغ رسیده موی جلوی سر و گیسوان خود را آشکار کند» (الکافی، ۵: ۵۲۰).

۱.۱۹. پیامبر اکرم (ص): «جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ يُرِيدُ فَاطِمَةَ وَ أَنَا مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى الْبَابِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَدَفَعَهُ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلْ قَالَتْ أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلْ أَنَا وَ مَنْ مَعِيَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ عَلَيَّ قِتْنَاعٌ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ خُذِي فَضْلَ مِلْحَتَيْكَ فَتَنْبَعِي بِهِ رَأْسَكَ؛ با پیامبر خدا به خانه فاطمه (ع) رفتیم. پیامبر اجازه ورود خواست و فرمود من و همراهم، وارد شویم؟ فاطمه فرمود: روسری بر سر ندارم. پیامبر (ص) فرمود: قسمت اضافه روپوش خود را بر سر خود بگیر» (الکافی، ۵: ۵۲۸).

۱.۱۱۰. پیامبر اکرم (ص): «أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَضَعَتْ خِمَارَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَقَدْ هَتَكَتْ حِجَابَهَا؛ هر زنی که برای غیر از شوهرش روسری خود را بردارد، حریم خود را شکسته است» (مستدرک‌الوسائل، ۱۴: ۲۸۰). زنان در حضورهای اجتماعی خود و در رابطه با نامحرمان، موظف به رعایت حجاب شده‌اند. بر این اساس یکی از وظایف شارع بیان کیفیت حجاب و محدوده آن است. از جمله مصادیق و محدودیت‌هایی که در مساله حجاب باید از طرف زنان رعایت شود، پوشاندن سر و موی خود در مواجهه با فرد نامحرم است. بنابراین آنچه پیامبر اکرم (ص) در این روایت بیان داشته‌اند جنبه تعلیمی دارد.

۱.۱۱۱. امام صادق (ع): «جَعْفَرُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يَدْخُلَ الرَّجَالُ عَلَى النِّسَاءِ إِلَّا بِإِذْنِهِنَّ؛ پیامبر اکرم از داخل شدن مردان به حریم زنان بدون اجازه آنها را نهی فرموده است» (الکافی، ۵: ۵۲۸).

این سیره نبوی که از آن با عنوان «مسئله استیدان» (اجازه گرفتن هنگام ورود به خانه‌های مسکونی) یاد می‌شود و مستند به آیات قرآنی است (نور: ۲۷-۲۹) به نوعی مرتبط با مسئله پوشش است؛ چه اینکه ورود سرزده مردان به حریم زنان، در حالی که آنها معمولاً در آن موقعیت انتظار مشاهده مردان بیگانه را ندارند و لذا نبی مکرم (ص) با نهی از ورود بدون اذن مردان به حریم زنان، فرصت و لزوم پوشش را مورد تاکید قرار داده است. در روایت دیگری امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلْبِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) الرَّجُلُ يَسْتَأْذِنُ عَلَى أَبِيهِ قَالَ نَعَمْ قَدْ كُنْتُ أَسْتَأْذِنُ عَلَى أَبِي وَ لَيْسَتْ أُمِّي عِنْدَهُ إِنَّمَا هِيَ امْرَأَةٌ أَبِي تَوَقَّيْتُ أُمِّي وَ أَنَا غُلَامٌ وَ قَدْ يَكُونُ مِنْ خُلُوتِهِمَا مَا لَا أَحِبُّ أَنْ أَفْجَاهُمَا عَلَيْهِ وَ لَا يُحِبَّانِ ذَلِكَ مِنِّي السَّلَامُ أَصُوبٌ وَ أَحْسَنُ» (الكافي، ۵: ۵۲۸).

۱.۱.۱۲. امام صادق (ع): مَسْعُودَةُ بِنْتُ زِيَادٍ قَالَتْ سَمِعْتُ جَعْفَرًا وَ سَبَّلَ عَمَّا تَطَهَّرُ الْمَرْءَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَتْ أَلْوَجْهَ وَ الْكَفَّيْنِ؛ از امام صادق (ع) درباره این زینت‌های زن که جواز مشاهده دارد، پرسیدند. امام (ع) فرمودند: چهره و دو دست تا مچ را می‌توان نپوشاند» (وسائل الشیعه، ۲۰: ۲۰۲).

۱.۱.۱۳. امام صادق (ع): «النَّصِيلُ بْنُ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الذَّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْءَةِ أَهُمَا مِنَ الزَّيْنَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ لَا يُبْدِيَنَّ زِينَتَهُنَّ؟ قَالَ نَعَمْ وَ مَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ وَ مَا دُونَ السَّوَارِينِ؛ آیا ساق دست‌های زن از زینت است؛ زینتی که خداوند فرموده است: باید زینها آن‌ها را آشکار نکنند؟ امام صادق (ع) فرمودند: آری (ساق دست زن باید پوشیده باشد) و نیز آن چه روسری آن را می‌پوشاند (مثل گردن) و بالاتر از جای دستبند (مثل ساق و آرنج و بازو) نیز از زینت محسوب می‌شود (که باید پوشیده شود)» (الكافي، ۵: ۵۲۰). این پرسش صحابی حکایت از گرفتاری جامعه در آن زمان دارد، گویا داشتن سرپوش بلند در آن زمان بهانه‌ای برای زنان بوده تا بالاتر از مچ دستان خود را برهنه نگه دارند، و امام صادق (ع) با این بیان با کار آنها به مخالفت برخاسته است.

۱.۱.۱۴. پیامبر اکرم (ص): «مُمَادِيَاتُ النِّسَاءِ غَضُّ الْأَبْصَارِ وَ حَفَرُ الْأَعْرَاضِ وَ قَصْرُ الْوَهَاةِ؛ بالاترین درجه زنان سه چیز است: پوشیدن چشم از نامحرمان، پوشیدن تمام اندام از بیگانگان، کم و با حیا از منزل بیرون شدن» (بحار الانوار، ۳۲: ۱۵۴).

۱.۱.۱۵. پیامبر اکرم (ص): عایشه نقل می‌کند: «دخلت على ابنة أخي لامي عبدالله بن طفيل مزينة فدخل النبي (ص) فأعرض، فقالت عائشة يا رسول الله إنها ابنة أخي و جارية: فقال: إذا عركت المرأة لم يحل لها أن تظهر إلا وجهها؛ دختر عبدالله بن طفيل که برادر مادری من بود در حالی که زینت کرده بود به خانه‌ام آمد. در همان هنگام پیامبر (ص) نیز وارد شد و هنگامی که او را دید از او روی برگرداند. عایشه گفت یا رسول الله این

دختر، بردار زاده من و خردسال است! پس پیامبر فرمود: هنگامی که زن به دوران عادت ماهانه رسید بر او جایز نیست که جز روی خود، موضع دیگری را نمایان کند» (طبری، جامع البیان، ۹: ۳۰۵). در گزارش دیگری نیز از عایشه نقل شده است که اسماء دختر ابی بکر در حالی که پوششی نازک بر تن داشت بر پیامبر (ص) وارد شد. پیامبر (ص) از وی روی گرداند و به وی فرمود: ای اسماء! وقتی زن به سنی رسید که عادت ماهانه برای او اتفاق می افتد جایز نیست که جز صورت و دست وی تا قدری بالای مچ در معرض دید دیگران قرار گیرد» (سیوطی، الدرالمثور، ۵: ۴۲).

۱.۱.۱۶. امام صادق (ع): «لَا يَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمْرِ وَالدَّرُوعِ مَا لَا يُوَارِي شَيْئًا؛ جایز نیست که زن مسلمان، «خمار» و «درعی» بپوشد که به خوبی بدن را نپوشاند» (الکافی، ۳: ۳۹۶). در روایت دیگر حضرت می فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمَّرَ تَوْبَهَا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا؛ برای زن مسلمان شایسته نیست وقتی از خانه بیرون می آید لباس هایش را براق نماید» (همان، ۵: ۵۱۹). این دو روایت بیانگر سه چیز است: ۱. لزوم اصل پوشش؛ ۲. عدم نازک بودن لباس به گونه ای که بدن نمایان شود؛ ۳. رنگ و برآقی لباس طوری باشد که جلب توجه نکند.

۱.۱.۱۷. امیرالمومنین (ع): «عَلَيْكُمْ بِالصَّيْقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ تَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ؛ لباس هایی که خوب بدن را می پوشانند بپوشید، چرا که هر کسی لباسش نازک و بدن نما شود، اعتقاداتش نیز ضعیف خواهد شد» (وسائل الشیعه، ۳: ۲۸۲). این روایت تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده و مطلق پوشش نازک و بدن نما را چه برای زن و مرد را نهی ضمنی قرار داده است.

۱.۱.۱۸. امام صادق (ع): خطاب به یکی از زنان: إِذَا عُدْتَ إِخْوَتَكَ، فَلَا تَلْبَسِي الْمُصَبَّغَةَ؛ هنگامی که به دیدار برادرانت رفتی، لباس رنگارنگ نپوش (الکافی، ۵: ۵۲۶). امام (ع) در این روایت به زنان توصیه می کند که به هنگام خروج از منزل از پوشیدن لباس های رنگارنگ که جلب توجه می کند، نپوشند.

۱.۱.۱۹. امام محمد باقر (ع): أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِهِ: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» فَهِيَ الثِّيَابُ وَ الْكُلُّ وَالْخَاتَمُ - وَ خِصَابُ الْكَفِّ وَالسَّوَارِ، وَ الزَّيْنَةُ ثَلَاثُ: زَيْنَةُ النَّاسِ وَ زَيْنَةُ الْمَحْرَمِ وَ زَيْنَةُ لِلزَّوْجِ، فَأَمَّا زَيْنَةُ النَّاسِ فَقَدْ ذَكَرْنَا، وَأَمَّا زَيْنَةُ الْمَحْرَمِ فَمَوْضِعُ الْقَلَادَةِ فَمَا فَوْقَهَا - وَ الدَّمْلُجُ وَ مَا دُونَهُ وَ الْخَلْخَالُ وَ مَا أَسْفَلَ مِنْهُ - وَأَمَّا زَيْنَةُ لِلزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ؛ امام باقر (ع) درباره آیه «ولا یبدین» فرمود: آن زینت، عبارت است از: لباس، سورمه، انگشتر، حنای دست و النگو. زینت، سه قسم است: زینتی برای مردم، زینتی برای محرم و زینتی برای شوهر. زینت برای مردم را یادآور شدیم. زینت محرم، جای گردنبند و بالاتر از آن و جای دستبند و پایین تر از آن و جای خلخال و پایین تر از آن و زینت شوهر تمامی بدن زن است (بحارالانوار، ۱۰۱: ۳۳).

۱۱،۲۰. پیامبر اکرم(ص): «عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَأْذِنَ عَلَى أُمِّي قَالَ: نَعَمْ قَالَ: إِنِّي مَعَهَا فِي الْبَيْتِ قَالَ: اسْتَأْذَنَ عَلَيْهَا قَالَ: إِنِّي خَادِمُهَا أَفَاسْتَأْذِنُ عَلَيْهَا كَمَا دَخَلْتُ قَالَ: أَفَتَحِبُّ أَنْ تَرَاهَا غُرْبَانَةً قَالَ: لَا قَالَ: فَاسْتَأْذَنَ عَلَيْهَا شَخْصِيَّ از پیامبر(ص) پرسید: آیا برای وارد شدن بر مادرم، باید اجازه بگیرم؟ فرمود: بله. آن شخص پرسید: با مادرم در یک اتاق زندگی می‌کنم، آیا برای وارد شدن بر ایشان، باید اجازه بگیرم؟ پیامبر فرمود: اجازه لازم است. راوی می‌گوید: من خدمتگزار مادرم هستم، آیا هرگاه وارد می‌شوم، باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آیا دوست داری وی را برهنه ببینی؟ گفت: نه. فرمود: پس اجازه بگیر (سیوطی، الدرالمستور، ج ۶، ۲۲۰).

۱،۲. تشویقی-تنبیخی (ادله عام و خاص): شیوه تشویقی-تنبیخی از دیگر روش‌هایی است که معصومین(ع) با استفاده از آن، به صورت ایجابی با پدیده بدپوششی مواجهه فرموده‌اند. در ادامه ادله‌ای که دال بر این نوع از مواجهه است را ملاحظه می‌فرمایید:

۱،۲،۱. پیامبر اکرم(ص): «اسْتَعْيَبُوا عَلَى النِّسَاءِ بِالْعَرِيِّ أَنْ أَحْدَاهُنَّ إِذَا كَثُرَتْ تِيَابُهَا وَحَسَّتْ زَيْتًا أَعَجَبَهَا الْخُرُوجُ؛ از کمی لباس برای نگهداشتن زنان کمک بگیرید؛ زیرا وقتی زن فراوان و زینت کامل دارد، مایل به بیرون رفتن (و خودنمایی) است» (نهج‌الفصاحه: ۲۰۹).

۱،۲،۲. امیرالمومنین(ع): «أَمَّا يَتَّبِعِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَضْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذَّنْبِ وَالْمَعْصِيَةِ؛ سزاوار است اهل تقوا بر اهل معصیت ترحم کنند و با رحمت با آنان برخورد نمایند و با رفتار شایسته آنان را درمان کنند» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۴۰). بر این اساس آمران به معروف و ناهیان از منکر نیز باید همچون طبیبان دلسوز، بیماران مبتلا به بدپوششی را درمان کنند و به آنان با دیده رحمت و هدایت بنگرند.

۱،۲،۳. پیامبر اکرم(ص): «أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ(ع) قَالَ: كُنْتُ قَاعِدًا فِي الْبَيْعِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ(ص) فِي يَوْمٍ دَجَنٌ وَمَطَرٌ إِذْ مَرَّتْ امْرَأَةٌ عَلَى جِمَارٍ فَوَقَعَ يَدُ الْحِمَارِ فِي وَهْدَةٍ فَسَقَطَتِ الْمَرْأَةُ فَأَعْرَضَ النَّبِيُّ(ص) فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهَا مُتَسَرِّوَةٌ قَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُتَسَرِّوَاتِ ثَلَاثًا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّخَذُوا السَّرَاوِيلَاتِ فَإِنَّهَا مِنْ أَسْتَرِ تِيَابِكُمْ وَحَصَّنُوا بِهَا نِسَاءَكُمْ إِذَا خَرَجْنَ؛ علی(ع) می‌فرماید: در یک روز بارانی همراه پیامبر در بقیع نشستیم بودیم که زنی سوار بر دراز گوشی عبور کرد. دست حیوان داخل گودالی افتاد و زن به زمین خورد. پیامبر(ص) چهره مبارکش را برگرداند. اصحاب عرض کردند: ای پیامبر، آن زن، شلوار پوشیده است. پیامبر سه بار فرمودند: خدایا، زانی را که شلوار می‌پوشند مورد مغفرت قرار بده. ای مردم از شلوار استفاده کنید، چرا که شلوار بهترین پوشش شما است و با آن زنان را هنگامی که از خانه خارج می‌شوند، حفظ کنید (مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ۲۴۴).

۱،۲،۴. پیامبر اکرم(ص): «إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمُ الْوَلُودَ الْوُدُودَ السَّيِّرَةَ الْعَزِيزَةَ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةَ مَعَ بَعْضِهَا الْمُنْتَبِجَةَ مَعَ رَوْحِهَا الْحِصَانَ عَنْ غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتَطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا أَرَادَ مِنْهَا وَلَمْ تَبْدَلْ لَهُ تَبْدُلَ الرَّجُلِ ثُمَّ قَالَ أَلَا

أَخْبَرَكُمْ بِشَرِّ نِسَائِكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ إِنْ مِنْ شَرِّ نِسَائِكُمُ الدَّيْلِيلَةَ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ الْحَقُودِ الَّتِي نَا تَتَوَرَّعُ مِنْ قَبِيحِ الْمُتَبَرِّجَةِ إِذَا غَابَ؛ بهترین زنان شما زانی هستند که: بچه‌زا، مهربان نسبت به شوهر، با حجاب و پوشیده، در بین طایفه خود با عزت، در مواجهه با شوهران خود متواضع و نرم‌خو، زینت کننده خود برای شوهر، در میان نامحرمان و در جامعه عقیف، مطیع شوهران خود بوده و به گاه خلوت با شوهر خود را در اختیار او قرار می‌دهند» (بحارالانوار، ۱۰۳: ۲۳۵).

۱،۲۵. پیامبر اکرم (ص): «أَصَابَتْكُمْ فِتْنَةُ الضَّرَاءِ فَصَبْرْتُمْ، وَإِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ السَّرَاءِ مِنْ قِبَلِ النِّسَاءِ، إِذَا تَسَوَّرْنَ الذَّهَبَ، وَلَيْسْنَ رِبَطَ الشَّامِ وَعَصَبَ اليمَنِ، وَأَتَعْنَ الغَنَى، وَكَلَّفْنَ الفَقِيرَ مَا لَا يَجِدُ؛ فتنه کمبودها را دیدید و صبر کردید و من از فتنه رفاه بر شما بیم دارم که از طرف زنان می‌آید؛ هنگامی که انگوی طلا به دست و پارچه‌های فاخر به تن می‌کنند و توانگران (اگر شوهری توانگر دارند) را به زحمت اندازد و از فقیر (اگر شوهری فقیر دارند) چیزی بدان دسترسی ندارد بخواهند» (نهج‌الفصاحه: ۲۱۵).

۲) برخورد سلبی:

۲،۱. تهدیدی-تحقیقی (ادله عام و خاص): از جمله روش‌های برخورد سلبی، برخورد تهدیدی-تحقیقی است. در ادامه به برخی از روایات و ادله این نوع مواجهه اشارتی می‌رود:

۲،۱،۱. امام علی (ع): «لَا تَرَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَالٍ يُلْبَسُوا لِبَاسِ الْعَجَمِ وَيَطْعَمُوا اطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَادَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ؛ پیوسته امت مسلمان به راه خیر قدم می‌نهند، تا زمانی که از فرهنگ بیگانگان (مانند پوشیدن لباس و...) تقلید نکنند؛ و اگر از بیگانگان پیروی کردند، خدا آنان را ذلیل می‌کند» (بحارالانوار، ۷۹: ۳۰۳).

۲،۱،۲. امیرالمومنین (ع): «أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمُعَاصِي بِوُجُوهِ مَكْفَهَرَةٍ؛ رسول خدا (ص) به ما دستور داد که با گناهکاران با چهره عبوس برخورد کنیم» (وسائل‌الشیعه، ۸: ۱۴۳). همچنین در روایات متعددی از سازشکاری با گناهکار نهی شده است (ن.ک. بحارالانوار، ۱۲: ۳۸۶؛ تهذیب الاحکام، ۶: ۱۸۰). بر این اساس بدپوششان به عنوان کسانی که گناهکار بوده و عامل ناهنجاری دینی هستند، باید با برخورد سرد و تحقیرآمیز و حاکی از نوعی بی‌اعتنایی و کم‌توجهی جامعه روبرو شوند.

۲،۱،۳. پیامبر اکرم (ص): «صِنْفَانِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا: قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ البَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ، وَ نِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ، رُؤُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ البُخْتِ المَائِلَةِ، لَا يَدْخُلْنَ الجَنَّةَ وَلَا يَخْرُجْنَ رِيحًا، وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجِدُ مِنَ مَسِيرَةِ كَذَا وَكَذَا؛ دو گروه از دوزخیان را (هنوز) من ندیده‌ام: گروهی که تازیانه‌هایی مانند دم گاو در دست دارند و مردم را با آن می‌زنند و (گروهی دیگر)، زنان هستند که در حالی که پوشیده‌اند، اما برهنه‌اند؛ کج‌راهه می‌روند و دیگران را نیز به کجروی تشویق می‌کنند، سرهایشان همچون کوهان

شتر است. اینان به بهشت نمی‌روند و بوی بهشت، که از فاصله چندین و چندان (فاصله دور) به مشام می‌رسد را، استشمام نمی‌کنند (مستدرک سفینه‌البحار، ۱۰: ۵۲).

۲،۱،۴. پیامبر اکرم(ص): «أَيُّ امْرَأَةٍ نَزَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِهَا حَرَقَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا سِتْرَهُ» هر زنی که لباس خود را جز در خانه خود بیرون آورد، خداوند پرده خویش را از او بر می‌گیرد» (نهج‌الفصاحه: ۳۵۹).

۲،۱،۵. پیامبر اکرم(ص): «الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتْرَبَةً مُتَعَطَّرَةً وَ الزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ، بُنِيَ لِزَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٌ فِي النَّارِ؛ هر زنی که خود با آرایش و خوشبو از منزل خارج شود، و شوهرش راضی به این کار باشد، خداوند به ازاء هر قدم آن زن، خانه‌ای در دوزخ برای مرد می‌سازد» (سفینه‌البحار، ۸: ۲۳۱).

۲،۱،۶. امام صادق(ع): «قال رسول الله من أطاع امرأته أكرهه الله على وجهه في النار. قيل: وما تلك الطاعة؟ قال: تطلب منه الثياب الرقاق فيجيبها؛ کسی که از زنش اطاعت کند، خدا او را به صورت در آتش می‌اندازد. پرسیدند: اطاعت در چه؟ فرمود: زن درخواست لباس‌های نازک کند و شوهر قبول کند» (وسائل‌الشیعه، ۲: ۵۰).

۲،۱،۷. پیامبر اکرم(ص): «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعْنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى رَجَعَتْ؛ هر زنی که خود را خوشبو سازد [به گونه‌ای که نامحرم آن را استشمام کند]، سپس از منزل خارج شود، تا هنگام بازگشت به خانه مورد لعنت [ملائکه] قرار می‌گیرد (وسائل‌الشیعه، ۷: ۱۵۴).

۲،۱،۸. پیامبر اکرم(ص): «عن علي(ع): قال: دخلت أنا و فاطمة على رسول الله فوجدته يبكي بكاء شديداً فقلت له: فداك أبي وأمي يا رسول الله ما أذى أبكاك؟ قال: يا علي ليلة أسرى بي إلى السماء رأيت نساء من أمتي في عذاب شديد فأنكرت شأنهن فكيفت لماً رأيت من شدة عذابهن، ثم ذكر حالهن، فقالت فاطمة حبيبي و قرّة عيني أخبرني ما كان عملهن فقال: أما المعلقة بشعرها فإنها كانت لا تغطي شعرها من الرجال، و أما المعلقة بلسانها فإنها كانت تؤذي زوجها... و أما التي كانت تأكل لحم جسدتها فإنها كانت تزين بدنها للناس... و أما التي كانت تفرض لحمها بالمقاريض فإنها كانت تعرض نفسها على الرجال؛ حضرت علی(ع) می‌فرماید: به همراه فاطمه(س) به خدمت پیامبر اکرم(ص) شرفیاب شدیم در حالیکه او را شدیداً گریان دیدیم، گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد چه چیز این چنین شما را گریان ساخته است؟ فرمودند: شبی که به معراج برده شدم زنانی از ائمتّم را در عذابی شدید و در وضع بدی دیدم که از شدت عذابشان گریستم، سپس احوال آنها را برایمان شرح دادند. فاطمه(س) فرمود: ای محبوب و روشنی چشم من! ما را از عمل آنها با خبر ساز. پس حضرت فرمودند: زنی که با مویش آویخته شده بود، در دنیا مویش را از نامحرم نمی‌پوشاند، زنی که با زبانش آویخته شده بود، همسرش را آزار می‌داد و آنکه گوشت بدن خود را می‌خورد بدنش را برای دیگران تزئین می‌کرد و آنکه با قیچی گوشتش چیده می‌شد کسی بود که خویشتن را بر مردان نامحرم عرضه می‌داشت» (وسائل‌الشیعه، ۷: ۱۵۶).

۲۱،۹. امیرالمومنین(ع): نهی رسول‌الله(ص) أَنْ تَتَزَيَّنَ الْمَرْأَةُ لِغَيْرِ زَوْجِهَا، فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ؛ رسول اکرم(ص) نهی فرمودند از اینکه زنی برای غیر همسرش، خود را بیاراید، پس اگر مرتکب چنین عملی شود بر خدا سزاوار است که او را در آتش بسوزاند (بحارالانوار، ۱۰۰: ۲۴۳).

۲۱،۱۰. پیامبر اکرم(ص): «إِذَا رَأَيْتُمُ اللَّاتِي أَتَيْنَ عَلَى رُءُوسِهِنَّ مِثْلَ اسْمَةِ الْبَقْرِ فَأَعْلِمُوهُنَّ أَنَّهُ لَا يُقْبَلُ لَهُنَّ صَلَاةٌ؛ زمانی که دیدید زنانی از امت من سرهای خود را مثل بر آمدگی پشت شتر دسته نموده و در میان نامحرمان ظاهر می‌شوند، به آنها بگوئید که نمازشان قبول نیست» (طبرانی، المعجم الکبیر، ۲۲: ۳۷۰).

۲۱،۱۱. امام صادق(ع): «السكونی عن أبي عبد الله(ع) قَالَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ(ع) نَهَى عَنِ الْقَنَازِ، وَالْقَصَصِ، وَتَقَشِّ الْأَخْضَابِ عَلَى الرَّاحَةِ وَقَالَ: إِنَّمَا هَلَكَتْ نِسَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ قِبَلِ الْقَصَصِ، وَتَقَشِّ الْأَخْضَابِ؛ امیرالمومنین(ع) از برجسته ساختن موی سر در یک قسمت و نشان دادن موی بالای پیشانی و حنا گذاشتن کف دست توسط زنان نهی کرد و فرمود: زنان بنی اسرائیل به خاطر همین موهای بالای پیشانی و حنا گذاشتن (آشکار) به هلاکت افتادند» (الکافی، ۵: ۵۲۰).

۲۱،۱۲. پیامبر اکرم(ص): «عَنْ عَلِيٍّ(ع) أَنَّهُ قَالَ نَهَى النَّبِيُّ(ص) أَنْ تَلْبَسَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ ثَوْبًا مَشْهُورًا؛ پیامبر(ص) زنان را از پوشیدن لباس جذاب، هنگام خروج از خانه نهی کرده است» (دعائم‌الاسلام، ۲: ۱۶۹).

۲۱،۱۳. پیامبر اکرم(ص): «أَيُّمَا رَجُلٍ تَزَيَّنَ إِهْرَاقَهُ وَتَخْرُجَ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهُوَ دَيُّوثٌ، وَلَا يَأْتِمُّ مَنْ يَسْمِيهِ دَيُّوثًا، وَالْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مَتْرِبَةً وَالزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ يُبْنِي لَزَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ يَبْتُ فِي النَّارِ، فَقَصِّرُوا أَجْحِبَةَ نِسَائِكُمْ وَلَا تَطْوُغُوا فَإِنَّ فِي تَقْصِيرِ أَجْحِبَتِهَا رِضَى وَسُرُورًا؛ مردی که در برابر دیدگانش، و با رضایت و اجازه او، زنش آرایش کند و از خانه بیرون رود، به صورتی که در معرض دید همگان قرار گیرد ديوث است، هر که آن مرد را ديوث بنامد گناهی نکرده. زنی که بدین صورت بیرون رود و همسرش راضی باشد، به هر قدمی که آن زن برمی دارد خانه‌ای از آتش برای شوهرش بنا می‌شود، بال و پر زنان خود را در این زمینه بچینید، نگذارید در این امور پر بگیرند، که بی بال و پر بودنشان در این مسائل موجب خوشنودی و سرور برای شما و کل خانواده است» (سفینه‌البحار، ۸: ۲۴۱).

۲۱،۱۴. پیامبر اکرم(ص): «لَعَنَّ اللَّهَ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ، وَالْمَرْأَةَ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ؛ لعنت خداوند بر مردی که لباس زنان را بپوشد و زنی که لباس مردان را به تن نماید» (نهج‌الفصاحه: ۶۲۷).

۲۱،۱۵. پیامبر اکرم(ص): «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ نِسَائِكُمْ... إِنَّ مِنْ شَرِّ نِسَائِكُمْ... الْمَتْرِبَةَ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْضُ الْحَصَانِ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ؛ بدترین زنان، کسی است که در غیاب شوهر آرایش و خودنمایی می‌کند و به هنگام حضور شوهر، خود را نمی‌پوشاند» (بحارالانوار، ۱۰۳: ۲۳۵).

۲،۲. تأدیبی- تعزیری (ادله عام و خاص): روش تأدیبی-تعزیر از دیگر روش‌های مواجهه سلبی با پدیده بدپوششی در سیره معصومین(ع) است. در ادامه مواردی از برخورد تأدیبی-تعزیری معصومین با بدپوششی ارائه می‌شود:

۲،۲،۱. پیامبر اکرم(ص): «مَنْ أَصَابَ مِنْ هَذِهِ الْقَادُورَاتِ شَيْئًا... نَعِمَ عَلَيْهِ حَدَّ اللَّهِ» (عوالی اللثالی، ۳: ۴۴۱) که در جریان اجرای حد (حد به معنای عام آن که شامل تعزیر نیز می‌شود) بر یکی از مسلمانان گناهکار صادر شده است، با این پیش فرض که بدپوششی نیز از مصادیق قاذورات است، می‌تواند به عنوان یکی از ادله عام برخورد تأدیبی-تعزیری پیامبر اکرم(ص) با پدیده بدپوششی به شمار آید.

۲،۲،۲. امیرالمومنین(ع): «السُّكُونِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ(ع): قَالَ: أُنِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ(ع) بِرَجُلٍ نَصْرَانِيٍّ كَانَ أَسْلَمَ وَمَعَهُ خِزِيرٌ قَدْ شَوَاهُ وَأَدْرَجَهُ بِرِيحَانٍ. قَالَ: مَا حَمَلَكَ عَلَى هَذَا؟ قَالَ الرَّجُلُ: مَرَضْتُ، فَفَرَمْتُ إِلَى اللَّهِ. فَقَالَ: أَيْنَ أَنْتَ عَنْ لَحْمِ الْمَعْنِ، وَكَانَ خَلْفًا مِنْهُ؟ ثُمَّ قَالَ لَوْ أَنْكَ أَكَلْتَهُ لَأَقَمْتُ عَلَيْكَ الْحَدَّ، وَلَكِنِّي سَأَضْرِبُكَ ضَرْبًا، فَلَا تُعَدُّ فَضْرَبَهُ حَتَّى شَغَرَ بِبَوْلِهِ؛ مُرِدٌ مَسِيحِي تَازَهَ مُسْلِمَانِي رَا بِبِش حَضْرَتِ آوَرْدَنَدِ كِه گُوشْتِ خُوكِي رَا كِبَابِ كَرْدِه وَ آمَادِه خُورْدَنِ سَاخْتِه بُوَد. اَو عِذْر آوَرْد كِه بِيْمَار شُدْم وَ بِه گُوشْتِ نِيَاز دَاشْتَم. حَضْرَتِ فَرْمُود: چَرَا بِه جَايِ آن، گُوشْتِ بَزِ اسْتِفَادِه نَكْرَدِي؟ سَبَسِ افزُود: اِگَر خُورْدِه بُوَدِي، حِد بَر تُو جَارِي مِي كَرْدَم، وَلِي تُو رَا تَا زِيَاَنِه مِي زَنَم تَا تَكَرَّار نَكْنِي. اَنگَا هِ اَو رَا زَد تَا بِه بُولِ افْتَاد» (وسائل الشيعه، ۱۸: ۵۸۰).

۲،۲،۳. امیرالمومنین(ع): «طَلْحَةُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ(ع) أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ(ع) أُنِي بِرَجُلٍ عَبَثٍ بَدَّكَرَهُ فَضْرَبَ يَدَهُ حَتَّى اخْرَجَتْ ثُمَّ زَوَّجَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ؛ شَخْصِي كِه خُودَارضَايِي كَرْدِه بُوَد رَا حِدْمَتِ امير مؤمنان علي(ع) آوَرْدَنَد (تَا مِجَازَاتَش كَنَد). حَضْرَتِ بِه قَدْرِي بَر دَسْتَش زَد كِه سَرخِ شُد. سَبَسِ اَز بُوَدجَه بَيْتِ الْمَالِ مَقْدَمَاتِ اَز دَوَاجِش رَا فَرَا هَم كَرْد» (وسائل الشيعه، ۲۱: ۳۶۳).

۲،۲،۴. پیامبر اکرم(ص): «مَيْمُونُ الْقَدَّاحُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانَ بِالْمَدِينَةِ رَجُلَانِ يُسَمِّي أَحَدُهُمَا هَيْتًا وَ الْآخَرَ مَانِعًا، فَقَالَ لِرَجُلٍ، وَ رَسُولُ اللَّهِ يَسْمَعُ: إِذَا افْتَحْتُمُ الطَّائِفَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ -فَعَلَيْكَ يَا بَنِي عَمَلَانَ التَّقِيَّةَ، فَإِنَّهَا شَمُوعٌ، نَجَاءٌ، مُبْتَلَةٌ، هَيْئَاءُ، شَبَاءٌ، إِذَا جَلَسْتُ تَنَبَّتْ، وَ إِذَا تَكَلَّمْتُ تَغَنَّتْ، تُقْبَلُ بِأَرْبَعٍ، وَ تُدْبِرُ بِثَمَانٍ، بَيْنَ رَجُلَيْهَا مِثْلُ الْقَدْحِ. فَقَالَ النَّبِيُّ لَا أَرَاكُمْ مِنْ أَوْلِي الْأُرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ. فَأَمَرَ بِهِمَا رَسُولُ اللَّهِ فَعَزَّبَ بِهِمَا إِلَى مَكَانٍ يُقَالُ لَهُ الْعَرَابِيَا، وَ كَانَا يَسْوَاقَانِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؛ دَرِ مَدِينَه، دُو مُرِد بُوَدَنَد كِه بِه مُرْدِي دِيگَر، دَر حَالِي كِه رَسُولِ خُدَا(ص) مِي شَنِيد، كَفْتَنَد: وَ قَتِي طَائِفِ رَا اِنْ شَاءَ اللَّهُ فَتَحِ كَرْدِيد، بَر تُو بَاد كِه سِرَاغِ دَخْتَرِ غِيْلَانِ اَز قَبِيلَه بَنِي تَقِيْفِ بَرُوي؛ چَرَا كِه چَنِين وَ چَنَانِ اسْت. پِيَا مَبَرِ فَرْمُود:

۱. در مورد نحوه دلالت برخی از روایاتی که اعم از مورد بدپوششی بوده، اما به عنوان دلیل برای مواجهه تعزیری با بدپوششی مورد استناد قرار گرفته‌اند، در بخش پایانی مقاله (فصل سوم) توضیحاتی ارائه شده است.

شما را جزو مردانی می‌بینم که در پی زنانند. پس دستور داد آن دو را به مکانی که «عرایا» خوانده می‌شد، تبعید کنند. آنان (در دوره تبعید) هر جمعه به مدینه می‌آمدند و خرید می‌کردند» (وسائل الشیعه، ۱۴: ۱۴۸).

این سنخ روایات بیانگر برخورد حکومتی پیامبر و امیرالمومنین (ع) با ناهنجاری‌های اجتماعی است که برخی از آنها به مراتب از لحاظ تاثیرگذاری در درجه پایین‌تری نسبت به مقوله بدپوششی و امثال آن قرار دارند. به بیان دیگر می‌توان گفت وقتی خوردن گوشت خوک و یا آماده‌سازی آن برای خوردن، استمناء، توصیف زنان زیبا و... در سیره نبوی و علوی مورد برخورد قرار می‌گیرند، پدیده‌هایی همچون بدپوششی به طریق اولی باید مورد مواجهه قرار گیرند.

۲.۲.۵. پیامبر اکرم (ص): «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمُخْتَنِينَ قَالَ أَخْرَجُوهُمْ مِنْ بَيْوتِكُمْ؛ پیامبر اکرم (ص) مختنین را لعن و به مسلمانان دستور داد که آنها را از خانه‌هاشان بیرون کنند» (وسائل الشیعه، ۲۰: ۳۴۲).

۲.۲.۶. پیامبر اکرم (ص): «عن ابن عباس: لعن النبي (ص) المختنين من الرجال، و المترجلات من النساء، و قال: أخرجوهم من بيوتكم... كان في المدينة على عهد (ص) ثلاثة من المختنين و هم: هيث و هرم، و مانع، ففني النبي (ع) منهم هيثا إلى خاخ... پیامبر اکرم (ص) مردان زن‌نما را لعن و آنها را از مدینه تبعید می‌کرد» (کتانی، نظام الحکومه النبویه، ۲: ۲۹۱).

۲.۲.۷. پیامبر اکرم (ص): «أبي بكر بن حفص، قال: قالت عائشة لمخنث كان بالمدينة يقال له أنة: ألا تدلنا على امرأة نخطبها على عبد الرحمن بن أبي بكر؟ قال: بلى فوصف امرأة إذا أقبلت فأقبلت بأربع، و إذا أدبرت أدبرت بثمان، فسمعه رسول الله (ص) فقال: يا أنة أخرج من المدينة إلى حمراء الأسد فليكن بها منزلك، و لا تدخلن المدينة، إلا أن يكون للناس عيد» (همان).

۲.۲.۸. امیرالمومنین (ع): «أنته رأى رجلاً به تأنيث في مسجد رسول الله (ص) فقال له أخرج من مسجد رسول الله يا من لعنه رسول الله ثم قال علي (ع) سمعت رسول الله (ص) يقول لعن الله المثنيهين من الرجال بالنساء و المثنيهات من النساء بالرجال» (علل الشرائع، ۲: ۶۰۲). این روایت بیانگر این است که امیرمؤمنان (ع) در مسجد به مردی که نشانه‌های زنانگی در او بود (خود را شبیه زنان درست می‌کرد)، برمی‌خورد و او را از مسجد اخراج می‌کند و وی را ملعون می‌نامد. سپس حضرت به گفته پیامبر (ص) استشهاد می‌کند که متشبهان از مردان به زنان و از زنان به مردان را ملعون خوانده است.

۲.۲.۹. پیامبر اکرم (ص): «أن النبي (ص) أتى بمخنث قد خضب يديه و رجليه بالحناء، فقال النبي (ص) ما بال هذا؟ قليل يا رسول الله! يتشبه بالنساء، فأمر به ففني إلى التقيع؛ مردی زن صفت را پیش پیامبر (ص) آوردند که دست و پای خود را حنا زده بود. حضرت پرسید: چرا چنین کرده است؟ گفتند: خود را شبیه زنان می‌سازد. پیامبر دستور تبعید او را به منطقه‌ای بنام نام تقيع صادر کرد» (سنن ابی داود، ۷: ۲۸۸). این روایت‌ها مصداق بارزی از برخورد حکومتی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) در قالب تعزیر با بدپوششی است.

۲،۳. **تقییحی-تحدیری (ادله عام و خاص):** از دیگر روش‌های برخورد سلبی اهل بیت (ع) با پدیده بدپوششی، برخورد تقییحی-تحدیری است. در ادامه مربوط به این روش، اشاره می‌شود:

۲،۳،۱. پیامبر اکرم (ص): **مَثَلُ الرَّافِلَةِ فِي الزَّيْنَةِ فِي غَيْرِ أَهْلِهَا كَمَثَلِ ظَلَمَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا نُورَ لَهَا؛** حکایت زنی که دامن‌کشان در برابر نامحرمان نمایان می‌شود، تاریکی قیامت است که روشنایی ندارد (نهج‌الفصاحه: ۷۱۶).

۲،۳،۲. پیامبر اکرم (ص) خطاب به یکی از زنان مدینه می‌فرماید: **«يَا حَوْلَاءُ لَا تُبَدِي زِينَتَكَ لِغَيْرِ زَوْجِكَ يَا حَوْلَاءُ لَا يَجِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُظْهِرَ مِعْصَمَهَا وَقَدَمَهَا لِرَجُلٍ غَيْرِ بَعْلِهَا وَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ لَمْ تَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَسَخَطِهِ وَغَضَبِ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ لَعْنَتِهَا مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَأَعَدَّ لَهَا عَذَابًا أَلِيمًا؛** ای حولاء! زینت خود را برای غیر همسرت آشکار مکن. بر زن جایز نیست که زیبایی‌های دست و پای خود را برای مردی غیر از شوهرش آشکار کند، که اگر کرد، همیشه در نفرین، خشم الهی و فرشتگان خواهد بود و در قیامت غذایی دردناک دارد» (مستدرک‌الوسائل، ۱۴: ۲۴۲).

۲،۳،۳. امیرالمومنین (ع): حضرت در روایتی در بیان وقایع و شرائط آخرالزمان می‌فرماید: **«وَشَارَكَتِ النِّسَاءُ أَرْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا... وَرَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَتَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَالرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ؛** زمانی خواهد آمد که زنان بخاطر حرص به دنیا، همچون مردان در انواع تجارتها و خرید و فروشها شرکت خواهند کرد... و مردان (از لحاظ پوشش و آرایش و پیرایش) خود را شبیه زنان خواهند نمود، و زنان هم خود را شبیه مردان خواهند کرد (مستدرک‌الوسائل، ۱۲: ۳۲۷).

۲،۳،۴. امیرالمومنین (ع): حضرت خطاب به مردم عراق فرموده است: **«يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! بُنِيتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ»** (الکافی، ۵: ۵۳۷). در حدیث دیگری می‌خوانیم: **«أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ يُزَاحِمْنَ الْأَعْلُوجَ؛** آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید، که زنان شما راهی بازارها و مغازه‌ها می‌شوند و با افراد بی‌دین برخورد می‌کنند (همان، ۵: ۵۳۷).

۲،۳،۵. امام محمد باقر (ع): **«جَابِرُ بْنُ يَزِيدَ جَعْفَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ الْبَاقِرَ (ع) قَالَ: لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ لِأَنَّ سَوَالَ اللَّهِ (ص) لَعْنُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ لَعْنُ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ»** (مستدرک‌الوسائل، ۳: ۲۴۶).

لعن متشبهیه به رجال و نساء، نوعی تحقیر و سرزنش عاملان این امر به شمار می‌رود.

۲،۳،۶. امیرالمومنین (ع): **«يُظْهِرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَرْوَاحِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتِ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْجِلَاتٍ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ؛** در آخر الزمان و نزدیک قیامت -بدترین زمان‌ها- زنانی آشکار می‌شوند که برهنه بوده، زینت‌هاشان را آشکار می‌سازند، در فتنه‌ها داخل شده، به شهوت‌ها می‌گیرند. به لذت‌ها شتافته، حرام‌ها را حلال می‌شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود (وسائل‌الشیعه، ۲۰: ۳۵). این روایت از سوی تهدید و از سوی دیگر به تقییح بدپوشش‌ها پرداخته است.

۲۳،۷. پیامبر اکرم(ص): «سَيَاتِي مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيِّبَاتِ الطَّعَامِ وَأَلْوَانَهَا... وَ يَتَرْتَّبُونَ بَرِيْنَةَ الْمَرْأَةِ لِزَوْجِهَا، وَ يَتَرَجَّحُونَ تَبْرُجَ النِّسَاءِ» به زودی بعد از من مردمانی می آیند که غذاهای لذیذ و رنگارنگ می خورند و مرکب‌ها سوار می شوند و مانند زن که خودش را برای شوهرش بَرک می کند، و خودآرایی و جلوه‌گری می کنند» (سفینه البحار، ۳: ۴۹۴). در این روایت نیز به صراحت بدپوششی مورد تقبیح قرار گرفته است.

فصل سوم: راه‌های اثبات مدعای مقاله

۱) اثبات طریق روش اجتهادی «تجمیع ظنون»: چنانکه پیش‌تر اشاره شد منهج مورد استفاده این تحقیق، منهج تجمیه ظنون اساس است. با توجه به تعریفی که از این روش‌شناسی فقهی گذشت، در مسئله مورد بحث، در صورت خدشه در تک‌تک روایات و عدم پذیرش آنها، نمی‌توان از مفاد و معنای عمومی آنها، که از طریق تجمیع ظنون به دست می‌آید دست کشید. چه اینکه مجموعه این روایات و مستندات حداقل به طور فی‌الجمله از گونه‌های مختلف سلبی و ایجابی مواجهه معصومین با پدیده بدپوششی خبر می‌دهد. بر این اساس ادعای کسانی که مدعی عدم برخورد معصومین با پدیده بدپوششی هستند، قابل قبول نخواهد بود.

۲) اثبات مدعا از طریق استدلال به «موارد مشابه در سیره معصوم» و «حکم وجوب حجاب»: بر فرض عدم پذیرش روایات فوق و خدشه در جملگی آنها (که ممکن نیست) و نیز عدم پذیرش حجیت منهج اجتهادی «تجمیع ظنون»، از طریق دیگری نیز می‌توان به نحوه مواجهه معصومین(ع) با پدیده بدپوششی دست یافت. در این شیوه، از طریق استدلال به موارد مبین و روشنی که از سیره و روش معصومین(ع) در برخورد با دیگر پدیده‌های ناهنجار نقل شده با تأکید و توجه بر حکم وجوب حجاب، می‌توان به رهیافتی در مسئله مورد بحث نائل آمد. این مسئله جزو مسلمات است که در شریعت، برای تخلف از برخی واجبات و محرّمات، حد تعیین شده، ولی برای بسیاری از آنها کیفر خاصی تعیین نشده است. با این حال دیده شده است که معصوم(ع) با برخی از متخلفان را در این زمینه‌ها مواجهه نموده و بعضاً کیفر داده است (چنانکه بخشی از ادله عام مورد استناد در این مقاله به همین مهم دلالت دارند). این امر نشان می‌دهد که اصل مواجهه و مجازات کردن متخلف هنگام تخلف از واجب و حرام، امری جایز و مشروع است؛ زیرا معصوم(ع) مرتکب امر غیر مشروع نمی‌شود. ممکن است در این دلیل اشکال شود که گناهایی که معصوم برای آنها فرد یا افرادی را مجازات کرده، گناهان معدودی است و فعل معصوم نشان می‌دهد که کیفر دادن بر این گناهان خاص جایز است، ولی ثابت نمی‌کند که می‌توان برای دیگر گناهان هم کیفر تعیین کرد. به

مبانی و الگوهای فقهی مواجهه با بدپوششی در سیره سیاسی و فرهنگی معصومین(ع)

تعبیر دیگر، تسری از کیفر یک گناه به کیفر گناه دیگر، قیاس و ممنوع است. افزون بر آن فعل، زبان ندارد و معلوم نیست (معصوم ع) به چه ملاحظه‌ای این کار را انجام داده است. بنابراین، دلیل اخص از مدعا خواهد بود. در پاسخ اشکال اول باید گفت گاهی می‌خواهیم اصل جواز را در حوزه احکام جزایی غیر منصوص ثابت کنیم. بی‌تردید فعل معصوم (ع) اگر در یک مورد ثابت شد، باید گفت در دیگر موارد هم ثابت می‌شود؛ زیرا احتمال فرق میان موارد گفته شده در روایات و دیگر موارد داده نمی‌شود. قیاس ممنوع نیز شامل مواردی نمی‌شود که با امثال العای خصوصیت یا تنقیح مناط به ملاک حکم دست می‌یابیم، زیرا یا مستند به ظهور است یا به عدم فرق، قطع و اطمینان وجود دارد. گاهی نیز می‌خواهیم نوع یا مقدار کیفری، که معصوم در یک مورد تعیین کرده را، برای مورد دیگر ثابت کنیم. در این صورت، نمی‌توان به عدم فرق میان موارد یاد شده در روایات و دیگر موارد، قطع حاصل کرد. افزون بر این، چون موارد یاد شده در حوزه‌ای است که شارع حد خاصی تعیین نکرده است، اصلاً فعل معصوم از باب تبلیغ حکم الهی نیست تا گفته شود تعمیم آن از موردی به مورد دیگر قیاس است، بلکه از مواردی است که به امام به عنوان حاکم واگذار شده است.

در پاسخ اشکال دوم هم می‌گوییم فعل از آن جهت که فعل است، بر حکم خاصی نظیر وجوب یا حرمت دلالت ندارد، ولی بر اصل جواز به معنای عام دلالت می‌کند، چون در علم کلام ثابت شده است که حوزه عصمت گسترده است و معصوم (ع) نه تنها در مقام تبلیغ احکام، بلکه در مقام عمل به آنها نیز معصوم است، پس به طور طبیعی، جواز این فعل به معنای عام ثابت می‌شود.

از برخی روایات چنین به دست می‌آید که خداوند برای تخلف از هر واجب یا حرامی، کیفر قرار داده است. برای نمونه، در روایت معتبری چنین آمده است: «عُمَرُ بْنُ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدْعُ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ (ص) وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حُدّاً وَجَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلاً يَدُلُّ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحُدَّ حُدّاً» (الكافي، ۱: ۵۹). مفاد این روایت آن است که خداوند برای هر چیزی، ضابطه و چارچوبی قرار داده و برای هر کس که از آن چارچوب‌ها تجاوز کند، جزا و کیفری تعیین کرده است. تقریب استدلال به این روایت بدین قرار است: حجاب و پوشش یکی از چارچوب‌ها و مقررات و دستورات الزامی الهی است، و هر کس این واجب را به صورت مقرر رعایت نکند، به مقتضای ذیل روایت «وَجَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحُدَّ حُدّاً» سزاوار عقوبت و کیفر است و هنگامی که کیفر الهی ثابت شد، به طور طبیعی امام حق اجرای آن را داشته و می‌تواند با متخلفین برخورد نماید. بر این اساس بر فرض که

در مورد مواجهه معصومین(ع) با پدیده بدپوششی، هیچ روایتی نیز به دست ما نرسیده باشد، مسلم است که آن حضرات در برابر چنین پدیده‌ای سکوت پیشه نکرده‌اند(ن.ک. فصلنامه فقه، ۵۱: ۱۱۳ و ۱۱۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت و با مروری بر سیره معصومین(ع) درباره نحوه مواجهه ایشان با پدیده بدپوششی، بیانگر چند نکته اساسی است: ۱- ائمه معصوم(ع) بر خلاف پندار برخی، نسبت به این پدیده بی‌توجه نبوده، از طرق گوناگونی با این معضل دینی و اجتماعی به مقابله برخاسته‌اند. ۲- نوع مواجهه معصومین(ع) با این پدیده در دو ساحت و دو قالب «نرم» و «سخت» و به تعبیر دیگر «حقوقی» و «فرهنگی» و به تعبیر سوم «ایجابی» «سلبی» بوده است. ۳- در عرصه مواجهه ایجابی (نرم و فرهنگی) می‌توان به مواردی از قبیل: مواجهه تعلیمی-تبلیغی و تشویقی-تنصیحی اشاره کرد. ۴- در عرصه مواجهه سلبی (سخت و حقوقی) نیز می‌توان به مواردی از قبیل: مواجهه تهدیدی-تحقیری، تأدیبی-تعزیری و تقبیحی-تحدیری اشاره کرد. ۵- ادله و روایات دال بر انواع مواجهه‌ها نیز در دو دسته «عام» و «خاص» قابل طبقه‌بندی است. ادله عام به صورت کلی بر مطلوب دلالت می‌کند که از طریق تنقیح مناظ و ... می‌توان از آنها بهره جست. ادله خاص اما به صورت مستقیم دلالت بر نوع خاصی از مواجهه معصوم(ع) بر پدیده بدپوششی دلالت دارد. ۶- منهج (روش‌شناسی) استفاده شده در این تحقیق، «منهج تجمیع ظنون» است، که از طریق آن می‌توان ضعف‌سندی برخی از روایات مورد استناد را جبران نمود. بر فرض عدم پذیرش موارد فوق، می‌توان از طریق استدلال به سیره معصوم(ع) در موارد مشابه و با تأکید بر حکم وجود حجاب، بر مسئله مواجهه معصوم با پدیده بدپوششی استدلال نمود.

مبانی و الگوهای
فقهی مواجهه با
بدپوششی در سیره
سیاسی و فرهنگی
معصومین(ع)

منابع:

- ابن‌أبی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین؛ عوالی‌الثالی‌العزیزیه فی‌الأحادیث‌الدینیّه، قم، دارسید‌الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی؛ من‌لا‌یحضره‌القیه، قم، دفتر‌انتشارات‌اسلامی‌حوزه‌علمیه‌قم، ۱۴۱۳ق.
- ابن‌فارس، ابوالحسین‌احمد، معجم‌مقائیس‌اللغه، قم، منشورات‌مکتب‌التبلیغ‌الإسلامی‌التابع‌للحوزة‌العلمیة، بی‌تا.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان‌العرب، بیروت، دار‌الفکر.
- بروجردی، آقا‌حسین؛ جامع‌أحادیث‌الشیعه، تهران، انتشارات‌فرهنگ‌سبز، ۱۳۸۶ش.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر‌الحکم و درر‌الکلم، قم، دار‌الکتاب‌الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- جعفر‌مرتضی‌عمری، الصحیح‌من‌سیره‌النبی‌الأعظم، قم، موسسه‌دار‌الحديث، سازمان‌چاپ‌و‌نشر، ۱۳۸۵ش.
- جوهری، اسماعیل، الصحاح‌تاج‌اللغه‌العربیة و صحاح‌العربیة، چاپ‌هفتم: بیروت، دار‌العلم‌للملایین، ۱۴۰۷ق.
- حر‌عاملی، محمد، وسائل‌الشیعه، قم، آل‌البيت(علیهم‌السلام)، ۱۴۱۴ق.
- راغب‌اصفهانی، حسین، مفردات‌الفاظ‌قرآن، قم، ذوی‌القربی، ۱۴۱۶ق.
- زرکشی، محمد، البرهان، بیروت، دار‌الفکر، ۱۴۰۸ق.
- سجستانی، سلیمان، سنن‌أبی‌داود، بیروت، دار‌الفکر، ۱۴۱۰ق.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدر‌المتثور، بیروت، دار‌الفکر، ۱۴۰۳ق.
- شیخ‌صدوق، علل‌الشراعیع، نجف، مکتبه‌الحیدریه، بی‌تا.
- صدوق، محمد، من‌لایحضره‌القیه، قم، جامعه‌مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ضیائی‌فر، سعید؛ مبانی‌فقهی‌و‌حقوقی‌اختیارات‌نظام‌اسلامی‌در‌زمینه‌جلوگیری‌از‌بدحجابی، مجله‌فقه، بهار ۱۳۸۶ش.
- طباطبائی، محمد‌حسین، المیزان، قم، جامعه‌مدرسین، بی‌تا.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع‌البیان، بیروت، موسسه‌الاعلمی‌للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- طبری، محمد، جامع‌البیان‌فی‌تاویل‌القرآن، بیروت، دار‌الکتب‌العلمیة، ۱۴۲۰ق.
- طوسی، محمد بن‌الحسن؛ تهذیب‌الأحكام، تهران، دار‌الکتب‌الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- العروسی‌الحوزی، عبد‌علی بن‌جمعه؛ تفسیر‌نور‌التقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- علی‌اکبریان، حسنعلی؛ مبانی‌مسئولیت‌حکومت‌اسلامی‌در‌ترویج‌حجاب، مجله‌فقه، بهار ۱۳۸۶ش.
- قمی، عباس، سفینه‌البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.
- کلینی، محمد بن‌یعقوب؛ الکافی، تهران، دار‌الکتب‌الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- کوفی، محمد بن محمد اشعث، الأشعثیات، تهران، مکتبه‌نبنوی‌الحديث، بی‌تا.
- الکثانی، عبدالحی؛ نظام‌الحکومه‌النبنویة، بی‌جا، دار‌الأرقم بن‌أبی‌الأرقم، بی‌تا.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار‌الأنوار، بیروت، دار‌احیاء‌التراث‌العربی، ۱۴۰۳ق.
- مشکاتی‌سبزواری، سبک‌زندگی‌در‌آئینه‌سیره‌نوی، پژوهشنامه‌حکمت‌اهلیت، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش.
- مظهری، مرتضی؛ مجموعه‌آثار (ج ۱۹)، تهران، انتشارات‌صدر، ۱۳۷۸ش.
- نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، قم، مؤسسه‌آل‌البيت(ع)، ۱۴۰۸ق.
- ورام بن‌أبی‌فارس، مجموعه‌ورام، مشهد، بنیاد‌پژوهش‌های‌اسلامی‌آستان‌قدس‌رضوی، بی‌تا.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی